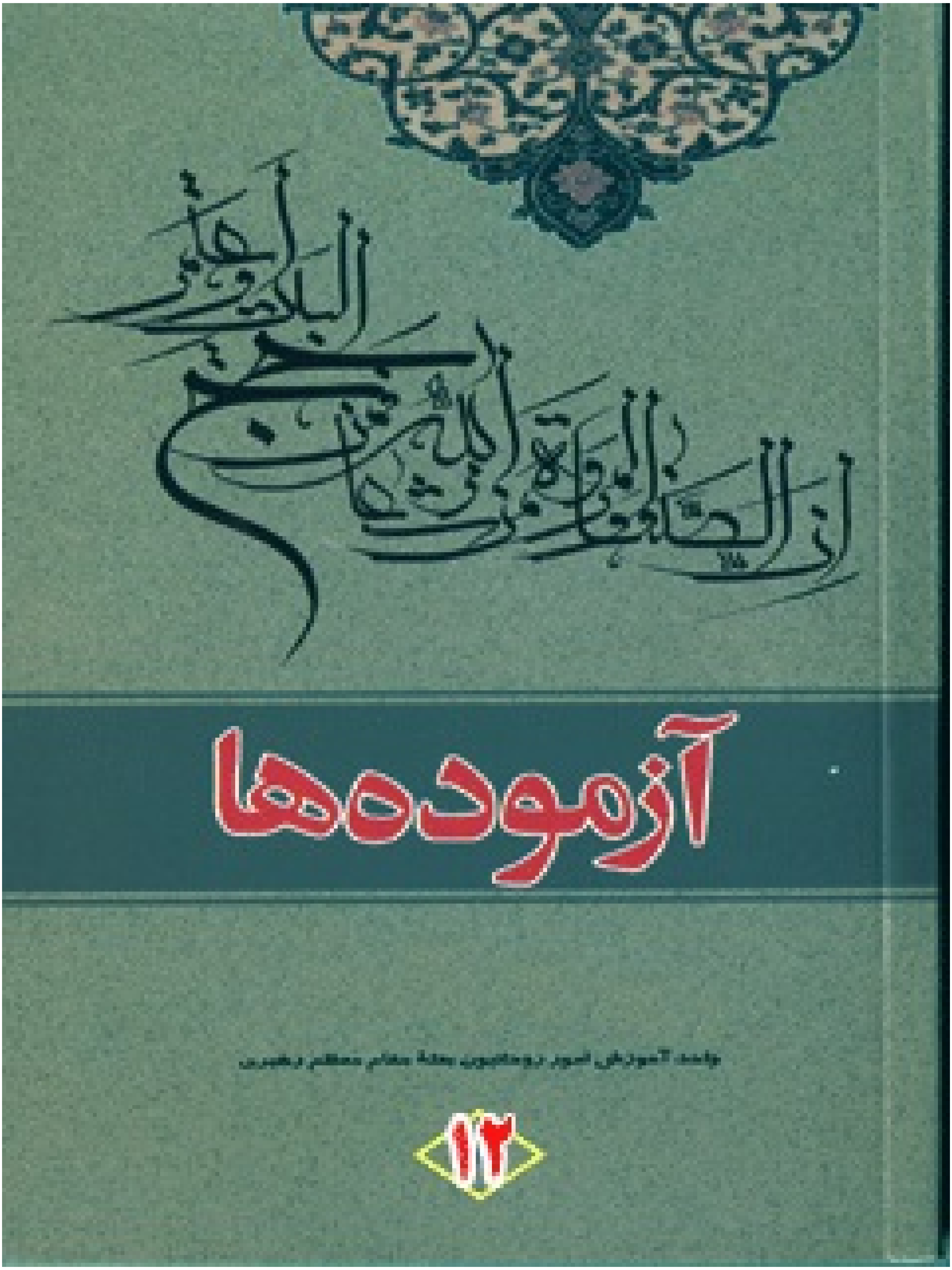

آزموده‌ها
واحد آموزش امور روحانیون بعثه مقام معظم رهبری
۱۲

بسم الله الرحمن الرحیم

آزموده ها

نویسنده:

مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آزموده ها جلد ۱۲

مشخصات کتاب

نام کتاب: آزموده ها جلد ۱۲

نویسنده: معاونت امور روحانیون

موضوع: مرجع

زبان: فارسی

ناشر: نشر مشعر

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

ص:۱۰

ص:۱۱

مقدمه

آسیب شناسی برنامه‌های زیارتی عتبات عالیات و ارائه راهکارهای کاربردی برای روحانیون و مدّاحان گرامی وظیفه‌ای است که در معاونت امور روحانیون دنبال می‌شود.

فرایند بررسی‌های انجام‌شده اعم از تحقیقات میدانی و پژوهش‌های کتابخانه‌ای به تهیّه پیشنهادهایی انجامید که یکی از آنها تشکیل جلسه‌ای توجیهی در نجف اشرف و ارائه راه کارهای عملی به مبلّغان عزیز بود.

مطالب تنظیم شده در جمع مبلّغان کاروان‌ها مورد بررسی و اصلاح واقع شد و راهنمایی‌های برخی اساتید بزرگوار حاضر در جلسات مطالب را کامل‌تر کرد. آنچه اینک پیش روی شماست محتوای جلسات کارشناسی نجف اشرف و مطالب مورد نیاز است که مبلّغان عزیز کاروان‌ها، روحانیان و مداحان محترم جهت شکل‌دهی به فعالیت‌های تبلیغی و ارشادی خویش به آن نیازمند هستند.

شایسته است از تلاش‌های نمایندگان این معاونت در عتبات عالیات حجج اسلام آقایان رحمانی الفت، جاوری، به ویژه حجت الاسلام و المسلمین آقای سید محمّد مقدس نیان که در پدیدآمدن این اثر سهم ویژه داشته و تلاش فراوان کرده‌اند، تشکر کنیم.

معاونت امور روحانیون

گروه تدوین متون آموزشی

تابستان ۱۳۸۸

ص:۱۲

پیش‌درآمد

خفقـان و اختنـاق ناشـی از حـاکمیّت صـدّام و تفکرات حزب بعث و تبلیغـات دین‌زدایانه‌ای که در طول بیش از سـی سال در کشور عراق صورت پـذیرفت، موجب شـد، نسـل فعلی شـیعه عراق از نظر آگاهی دینی و فهم معارف اسـلامی در محرومیّت شدیـدی واقع شود و در نتیجه زمینه برای پیدایش و گسترش روزافزون «خرافات» در این سرزمین فراهم شود. اهم این عوامل عبارتند از:

۱. محرومیت‌هـای اجتمـاعی: بـه جز حـوزه علمیـه نجـف و معـدودی از شـیعیان متّصـل و مرتبـط بـا ایـن حـوزه، تـوده مردم عراق از ابتدایی‌ترین مسائل دینی و شرعی و معرفت های اسلامی رایج، ناآگاه یا کم‌آگاه باقی ماندند و پس از سقوط صدام و حزب بعث و اشـغال نظـامی این کشور نیز چنـان مردم مورد بمبـاران شدیـد تبلیغاتی و شبیخون فرهنگی چنـد صـد کانال ماهواره قرار گرفتنـد که دیگر فرصت و مجال بازگشت و جبران مافات را پیدا نکرده و نمی‌کنند. تبلیغات بی امان فرهنگی با سه هدف اساسی اسلام زدایی، تشیّع زدایی و تخریب سیمای ایران و انقلاب اسلامی آن، از یک سو و اشاعه فحشا و ترویج مفاسد اخلاقی و انهدام بنیان اخلاق و خانواده در میان مردم مظلوم عراق از سوی دیگر مردم منطقه را هدف قرار داده‌اند. با این همه از حق نمی‌توان و نباید گذشت که با ایـن سـیل بنیـانکن هجـوم فرهنگی، ارادت و اعتقـاد مردم بـه خانـدان پیـامبر و عشـق سـرشاری کـه بـه امیرالمـؤمنین (ع) و فرزنـدان معصـومش سراسـر وجودشـان را فراگرفته، همچنـان دست نخورده بـاقی مانـده است. به عنوان نمونه جمعیّت ده میلیون نفری که در اربعین امسـال (۱۴۳۰) بـا پای پیاده صـدها کیلومتر راه را پیمودنـد تا از فیض زیارت سالار شـهیدان حضـرت اباعبـدالله الحسـین (ع) بهره‌منـد شونـد، هر بیننـده‌ای را دچـار اعجـاب و احسـاس حقـارت و غبن می‌کرد. گو این که این حرکت نه یـک بـار، که هر سـال چندین بار صورت می‌گیرد و این جمعیّت‌ها در عرفه و عاشورا و اربعین و اول رجب و نیمه شعبان به سوی کربلا و در مناسبت های دیگری همچون مبعث پیامبر و غدیر خم به سوی نجف راه می‌پیمایند.

۲. عشـق متـراکم: عامـل دیگر، عشـق و علاقه و عواطـف شدیـد زائرانی اسـت کـه از بیرون مرزهـای عراق و غالبـاً از ایران به عراق می‌رونـد. همانان که چند دهه از زیارت تربت پاک امامان خویش محروم بوده اند و در طول این سالیان دراز با دل هایی سـرشار از عشق و امیـد برای زیارت قبور موالی خود لحظه شـماری کرده انـد. آنان به خوبی می‌داننـد که بسـیاری از درگذشـتگان، عمری در آتش این عشق سوختنـد و عـاقبت به وصـال محبوب خویش نرسـیدند. چه بسـیار رزمنـدگان دلبـاخته‌ای که آرزوی کربلا را در دل داشتند، لیکن کربلا را ندیده پر کشیدند و سرنوشتشان به شهادت ختم شد.

۳.

ص:۱۳

راه زیـارت عتبـات عالیـات، بـدون برنـامه ریزی قبلی و آماده سازی فرهنگی لازم باز شـد. دو جمعیّت میزبان و میهمان که یکی کم آگـاه و دیگری پر احساس و عاطفی بودنـد، به هم رسـیدند و می‌دانیم که وقتی عواطف و احساسات شـدّت می‌یابـد، چراغ تعقّل و انـدیشه کم فروغ می‌گردد. هر چه را آن میزبانـان کم آگـاه به عنـوان مقـدّسات معرفی کردنـد، این میهمانـان پر عـاطفه پذیرفتنـد و گرامی داشـتند. در نتیجه زمینه برای ترویج و گسترش بافته های عوامانه فراهم شد، پاره ای از مزارات با ارزش و مسـتند مغفول ماند و بازدیـد از اماکنی کم‌اعتبار و بی ریشه و سـند جای آنها را گرفت و اکنون که چنـد سالی بیش از این رخداد نمی‌گذرد، چنان که می‌بینیـد روز به روز همـان بـافته هـای مبتنی بر جهـل و عوامانه شاخ و برگ بیش تری پیـدا کرده و گستره افزون تری را دربرگرفته است. اگر هر چه زودتر اقـدام سـنجیده ای صـورت نگیرد، معلـوم نیست این حرکت تـا کجـا گسـترش یابـد و چه لطمه ای به بنیـان مرصوص و مسـتحکم اعتقادات شـیعی وارد کند. البتّه نقشی که روحانیان و مبلّغان آگاه و دلسوز بر اساس آموزه‌های دینی مبارزه با خرافـات تـاکنون در مهار امواج رو به گسترش خرافات در همه زمینه‌ها از جمله در سـفر عتبات ایفا کرده انـد، جـدّاً سـتودنی است. اینان هر از چنـد گاه به همراه زائران عتبات به کشورعراق سـفر می‌کننـد و با صداقت و صـمیمیّت می‌کوشـند تا مشـعل های فروزان هـدایت در جمع زائران همراه خود باشـند. برنـامه هـای فشـرده این سـفر، دو روز کربلاء دو روز نجف، یک روز کاظمین، یکی دو سـاعت سـامرّاست. این فرصت انـدک و رنـج‌های ایـاب و ذهـاب چنـان این عزیزان را به خود مشغول می‌سـازد، که به طور معمول فرصت انجـام یک نگرش علمی محقّقانه و ارائه تحلیل درست بسیاری از پدیـده ها را از آنان می‌گیرد و تا چشم برهم بزننـد، دوره کوتاه سـفر به پایان رسـیده و ناگزیر بایـد زندگی روز مرّه را در شـهر و دیار خویش از سـر گیرند و خاطرات تلخ و شـیرین سـفر را اندک اندک از یاد ببرند.

مستند، صحبت‌کردن

قرآن کریم راه پیروی از هر گونه پدیده های خرافی و بافته‌های ذهنی عوامانه را بر روی ما می‌بندد و حجت را بر همه تمام می‌کند. «وَلاتَقفُ ما لَیسَ لَکَ بِه عِلمٌ انَّ السَّمعَ وَ البَصَرَ وَالفُؤادَ کُلُّ اولئِکَ کانَ عَنهُ مَسئُولًا.»(۱)

از چیزی که بـدان آگـاهی نـداری، پیروی مکن؛ همانـا هریـک ازنعمت هـای شـنوایی بینـایی و ادراک قلبی مورد بـازخواست واقع خواهد شد.

هیچ کس به مقتضای تعالیم قرآن کریم و سیره روشن اولیای معصوم دین حق ندارد به آنچه که پشتوانه محکم علمی و عقلی ندارد و از سوی راهبران الهی مورد تأییـد قرار نگرفته است، تکیه کنـد یا تداوم و بقای آن را به خیال و تصور حفظ دین و مقدسات دینی توجیه نمایـد؛ زیرا قرآن کریم بنیـان پوشـالی موهومـات و سـاخته هـا و پرداخته های جاهلانه را مورد یورش جـدّی قرار می‌دهـد، با نگاهی گـذرا به آیات کریمه قرآن فرازهای فراوانی از این نمونه را می‌توان یافت. آنچه در مـذمّت سازنـدگان قصّه گوساله سامری در قرآن می‌خوانیم نیز نمونه دیگری از این قبیل است. معارف دین مقدس اسـلام چنان بر پایه های محکم و مسـتدّل حقایق و دقایق عقلانی اسـتوار است که هرگز برای حفظ باورهای مردم و تحکیم ایمان و اعتقاد آنان نیازی به تشبّث به ریشه‌های سـست و متزلزل خرافات وجود ندارد.

در تاریـخ حیـات پیـامبر اعظم (ص) آمـده است که روزی فرزنـد ایشان از دنیا رفت و اتفاقاً در همان روز خورشـید گرفت. برخی با مصـلحت اندیشـی کوشـیدند تا بین دو حادثه رابطه‌ای تعریف کننـد و شایع کردنـد که خورشـید گرفتگی معلول مرگ فرزند پیامبر بوده است. شاید چنین اقدامی برای آنها قابل توجیه هم بود که بالاخره این تعریف موجب تقویت

۱- سوره اسراء ۳۶.

ص:۱۴

اعتقـاد مسـلمانان یـا گرایش تعـدادی غیر مسـلمان به اسـلام می‌شود. خبر به گوش پیـامبر رسـید. ایشان بی درنگ به مسـجد آمـد و برآشـفته بر منبر شـد و در جمع مسـلمانان با صـراحت و صـداقت اعلام فرمود که هیـچ پیونـدی بین مرگ فرزند و گرفتن خورشـید وجود ندارد؛ آن یک حادثه طبیعی واین یک پدیده عادی است.

در سیره سـایر معصومـان (علیهم السـلام) نیز برخوردهـایی چنین قـاطع در جهت منکوب سـاختن جبهه خرافات و مبارزه با باورهای نادرست جاهلانه فراوان می‌توان یافت. از مهم ترین اقدامات حضرت بقیهٔ الله (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) «

احیاء السنن و اماتهٔ البدع

» است و این حقیقت، نشانگر آن است که پیش از ظهور آن سـرور سـنت‌هایی مرده و نابود شـده و بـدعت هایی جان گرفته انـد که ایشان آن احیاء و اماته را انجام می‌دهد. به فرازهایی از دعای ندبه توجه کنید:

أَیْنَ الْمُنْتَظَرُ لِإِقامَهِٔ الْأَمْتِ وَالْعِوَجِ؟ أَیْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْدیدِ الْفَرائِضِ وَالسُّنَنِ؟ أَیْنَ الْمُتَخَیَّرُ لِإِعادَهِٔ الْمِلَّهِٔ وَالشَّریعَهِٔ؟ أَیْنَ مُحْیی مَعالِمِ الدّینِ وَ أَهْلِهِ؟ أَیْنَ هادِمُ أَبْنِیَهِٔ الشِّرْکِ وَالنِّفاقِ؟ أَیْنَ طامِسُ آثارِ الزَّیْغِ وَالْأَهْواءِ؟ أَیْنَ قاطِعُ حَبائِلِ الْکِذْبِ وَالْافْتِراءِ؟ ...

چنان که ملاحظه می کنیـد بخش مهمی از اقـدامات آن امام والامقام، پاکسازی بنای معمور دین و معارف حقه از لوث وجود همین پدیـده هـای نـامیمون و ساخته‌های بی ریشه است. ما هم که سـرباز آن حضـرت و داعیه دار خـدمت به آن وجود نورانی هستیم، در افقی پایین و محدود و در گستره توان و استعداد خودمان به یقین چنین تکلیفی را بر عهده داریم.

مـا هرگز نبایـد گمـان کنیم که اگر زنگـار آموزه‌هـای باطل و خرافات بی‌پایه و اساس را از سـیمای دین پاک کنیم، مبانی باورهای دینی تضـعیف می‌شود و اعتقاد مردم به اصل دین سست می گردد بلکه به عکس، حذف این پیرایه های زشت و زاید و زدودن غبار انگاره های باطل از سیمای نورانی اسلام عزیز بر جذابیّت معارف دینی می‌افزاید و چراغ هدایت دین را پرفروغ تر می‌سازد.

ص:۱۵

ص:۱۶

اماکن زیارتی مستند

اشاره

پیش از پرداختن به معرفی تـک تـک امـاکن زیـارتی معتبر یادآور می‌شود که در اطراف حرم‌های هر یک از امامان معصوم (علیهم السلام) انبوهی از چهره های سرشناس و اسوه مدفونند که تحت الشعاع عظمت شخصیّت امامان واقع شده اند و کمتر به آن ها توجّه می‌شود. اینان سـتارگانی را می‌مانند که شب هنگام تمام فضای آسمان را پر می‌کنند، ولی با پیدایش نخستین اشعه‌های خورشید در افق خاور همگی ناپدیـد شـده و دیـده نمی‌شونـد. نه این که نباشـند، هسـتند، ولی پرتو تابش خورشـید چنان نیرومند است که اجازه عرض اندام به آن ها نمی‌دهد.

جمع کثیری از علما و دانشـمندان بزرگ در اطراف خورشید عالمتاب وجود امیرالمؤمنین (علیه السلام) مدفونند که هریک از آن ها سند مستند حقانیّت و اعتبار تشیّع و افتخاری عظیم برای جهان اسلام به حساب می‌آیند.

در دو سوی ایوان امیرمؤمنـان (ع) دو فحل بی نظیر آرمیـده انـد؛ یکی علّامه حلّی و دیگری شـیخ احمـد مقـدس اردبیلی. در اطراف صحن نیز چهره‌های برجسـته ای همچون شیخ مرتضی انصاری، صاحب رسائل و مکاسب، آخوند خراسانی، صاحب کفایهٔ الاصول، سید کاظم یزدی، صاحب العروهٔ الوثقی و فاضـلین ملامهدی و ملااحمد نراقی، سـید عبدالحسـین شـرف الدین، صاحب المراجعات، حـاج میرزا حسـین نوری طبرسـی، صـاحب المسـتدرک الوسائـل و شاگرد فرزانه اش حاج شیخ عباس قمی و در فاصـله های کوتاه اطراف حرم نیز چهره های بارزی نظیرشـیخ طوسی، سید مهدی بحرالعلوم، شیخ محمد حسن نجفی، صاحب جواهر، شیخ جعفر کبیر کاشف الغطاء، صاحب کشف الغطاء، میرزای شـیرازی، علامه امینی، صاحب الغدیر، حاج سید علی آقا قاضی و ده ها مرزبان مقتدر مرزهای عقیده سـر بر آسـتان شاه ولایت سوده‌اند. در کنار حرم کاظمین (علیهما السـلام) نیز تربت کیمیا اثر نخبگانی همچون شـیخ مفیـد، ابن قولویه، سـید مرتضـی و سـید رضـی قرار دارد. حضور کاروان ها در کنار مراقد این بزرگان و تقدیم فاتحه به روان آنان، اظهار ادب و ادای مراتب حق شناسـی زائر نسبت به ایشان است. زائر اهل بیت چرا نباید بداند، که اگر امروز مسلمان و شیعه است و فرهنـگ وتفکّر شـیعی را در دنیـا ترویـج می‌کنـد و به معـارف غنی خویش می‌بالـد، به برکت زحمـات طـاقت فرسایی است که این رادمردان در طول تاریخ یکهزار و چند صد ساله اسلام و تشیّع متحمّل شده‌اند.

به همین سان سـتارگان پر فروغ آسـمان شـهادت علاوه بر تنی چنـد از علمای بزرگ نیز مجلس آرای حرم و بارگاه امام حسـین بن علی سیدالشهداء (علیه السلام) هستند. همانان که در یک نیمروز خونین عاشورا پروانه وار گرد شمع وجود مولاشان چرخیدند و در آتش عشـقش سوختنـد و فنـا شدنـد ولی در این فنـا راه بقا یافتنـد و جاودانه شدنـد. بایـد اذعان کرد با همه جمعیّت و ازدحامی که همواره در اطراف مرقـد این فرزانگـان در آمـد و شـد هسـتند، اینان نیز در حجابی از مهجوریّت و ناشـناختگی به سـر می‌برنـد و در سفرهای زیارتی کمتر کسی در صدد معرّفی حتّی مختصری از شخصیّت

ص:۱۷

ایشان برمی‌آید. از شهدای بنی هاشم و آل ابی‌طالب گرفته تا حبیب بن مظاهر، بریر بن خضیر، زهیر بن قین، مسلم بن عوسجه، ابو ثمامه صائدی، سعید بن عبدالله حنفی، عابس بن ابی شبیب شاکری، جون غلام سیاه چهره ابی‌ذر غفاری و دیگران .... ای کاش اندکی از آن همه سرمایه گذاری که برای اماکن بی ریشه و اعتبار صورت می گیرد، صرف معرّفی این افتخارات بزرگ بشریّت و این اسوه های آزادگی، ایثار، وفاداری و صبر صورت می‌پذیرفت.

چه به جاست مبلّغان باسلیقه کاروان‌ها پیش از مبادرت به سفر دو محور عمده را بر محورهای مطالعاتی خود بیافزایند: یکی زندگی نامه علما به ویژه دانشمندان فرزانه ای که در اطراف مرقد حضرت علی (ع) و نیز در مسیر حرکت زائران در کربلا ـ و کاظمین آرمیده اند و دیگری بیوگرافی مختصر و نحوه شهادت شهدای کربلا. (۱)شما می‌توانید با ثبت جستارهایی از تاریخ زندگی این دو مجموعه فخیم، در دفترچه یادداشت خود بخش قابل توجّهی از نیاز به حقّ زائران همراهتان را به معارف پوشش دهید و با این اقدام مثبت و سازنده خود به خود زمینه گرایش به باورهای عوامانه و نماد های بی ریشه و سند را از بین ببرید.

اینک معرّفی زیارتگاه‌ها که بعضاً از بازدید برخی آن‌ها غفلت می‌شود، می‌پردازیم:

۱. مقام امام امیرالمؤمنین (ع) و صافی صفا

از آثار تاریخی مشهور نجف که اهل معرفت به آن معتقدند مقام حضرت علی (ع) است که به صافی صفا مشهور است و درکنار آن نیز قبر اثیب یمانی قرار دارد. ایشان از شیعیان سرشناس یمن و تربیت شدگان اویس قرنی بوده و در زمانی که امام علی (ع) در کوفه عهده دار خلافت بود، دریمن از دنیا رفت و وصیّت کرد تا فرزندانش جنازه او را از یمن به کوفه ببرند.

از سویی عادت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز این بود که هر گاه جویای مکان خلوتی برای عبادت می‌شد از کوفه به غری(۲)می‌آمد. روزی امام در آن جا سرگرم عبادت بود. در آن حال مردی را دید که از بیابان می‌آمد، برشتری سوار بود و جنازه ای به همراه داشت. پرسید: از کجا می‌آیی؟ این جنازه از کیست؟ چرا اورا در سرزمین خودتان دفن نکردید؟ پاسخ داد؟ از یمن می‌آیم و این هم جنازه پدرم است. او از رسول خدا (ص) شنیده بود، که در این جا شخصیّتی دفن خواهد شد که به عدد نقوس دو قبیله مضر و ربیعه شفاعت می کند. از این رو به من وصیت کرد تا جنازه اش را به کوفه بیاورم و این جا دفن کنم. امام (ع) ضمن تصدیق مضمون حدیث مزبور، سه بار می‌فرماید: «

انا و الله ذلک الرجل

»؛ یعنی به خدا سوگند آن شفاعت کننده من هستم. سپس دستور دفن جنازه اثیب را به فرزندانش می‌دهد(۳). بسیاری از فقهای شیعه در متون و منابع فقهی به روایت حمل جنازه اثیب یمانی به کوفه اشاره و برای فتوای جواز حمل جنائز مردگان از شهری به شهر دیگر به آن استناد نموده‌اند.(۴) و از همین رو اهل معرفت محرابی قدیمی را که کنار مدفن اثیب یمانی است، مقام امیرالمؤمنین دانسته اند.

۱- خوشبختانه در سال‌های اخیر کتابی محققانه و جامع به نام پژوهشی پیرامون شهدای کربلا از سوی پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این زمینه منتشر شده که مطالعه آن این ضرورت را برطرف ساخته است.

۲- نامی تاریخی برای نقطه‌ای از زمین نجف.

۳- فرحهٔ الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین، سید عبدالکریم بن طاووس، ص ۸۶.

۴- ر. ک: الحدائق، شیخ یوسف بحرانی، ج ۴، ص ۱۴۹.

ص:۱۸

۲. وادی السلام

وادی السـلام سـرزمینی فخیم و مبـارک است. در روایـات فراوان آمـده است که ارواح مؤمنان، پس از مرگ به این سـرزمین منتقل می‌شود و عـالم برزخ آنـان در این مکـان سپری می‌شود. چنان که ارواح فسّاق و فجره نیز به وادی برهوت می‌رود که در یمن است. در این باره قصّه های زیادی از ارتباط برخی از اولیای خدا با ارواح نیکان و بدان در عالم برزخ به ما رسیده که انکار آنها به یکباره آسـان نیست یا بهتر بگوییم ممکن نیست. دو پیامبر بزرگ به نام هود و صالـح (علیهما السـلام) در اینجا مدفون‌انـد که بارها از آنان در قرآن به نیکی یـاد شـده است. همچنین مقـام امام صادق و امام زمان (علیهما السـلام) در این قبرسـتان است. شـیخ طوسـی (ره) و دیگران روایتی دارنـد که امـام صـادق (علیه السـلام) به این مکـان آمـده و نماز گزارده و چون از ایشان پرسـیدند این جا کجاست؟ فرمود: محل منبر قائم ما در آخر الزمان است. این مکان به اعتبار نماز امام صادق (علیه السـلام)، مقام امام صادق (علیه السـلام) و به اعتبار منبر امام زمان (علیه السلام) مقام امام زمان (علیه السلام) خوانده می‌شود.(۱) همچنین قبور بسیاری از علما از گذشته‌های دور و نزدیک در این جا قرار دارد. این سـرزمین بارانداز روحی بسـیاری از اهل معرفت، نظیر ملا مهدی نراقی و سـید علی قاضی و شیخ عبـاس قمی و مردان بزرگی از این قبیـل است که سـاعت هـا در این فضـا غنوده و غرق دریـای تفکّر بوده‌انـد و مراتب عـالی سیر و سلوک خود را سپری کرده‌اند.

از برکـات این وادی، گفتنی‌ها بسیار است. لیکن در عین حال خاسـتگاه افکار منحرف و نیت های نادرست دنیا طلبانه و خرافه آمیز نیز هست. شـیّادانی در این گورسـتان هستند، که نام‌های زیادی را بر سنگ کنده و بر دیوار چسبانده‌اند که فلانی از شیراز، فلانی از تهران و ... هنگامی که علت این کار را جویا می‌شوی، می گوینـد، اگر بخواهی پس از مرگ روحت به این سـرزمین بیایـد باید، ده هزار دینـار بـدهی تـا نـامت را بر سـنگ حک کنم و این جا نصب کنم و اگر مایل باشـی که روح و جسـمت هر دو بیایـد، بایـد که شصت هزار دینار بپردازی! متأسفانه زائران ساده لوحی را می‌بینی که همین پول‌ها را به این امید واهی می‌پردازند و نام‌هایشان که بر سنگ‌ها حک شده و بر دیوار چسـبانده شده است، گواهی روشن براین پدیده نادرست است. همچنین برخی از زائران موی خود را می‌تراشـند یا ناخن خودرا می گیرنـد و در این گورسـتان دفن می کننـد؛ زیرا می‌خواهند، بخشـی از وجودشان حتماً در وادی السـلام مـدفون شـده باشـد. کسـانی نیز روی زمین نشـانه می گذرانـد یـا بر زمین می‌خوابنـد و دور خود خطی می کشـند. علّتش را که جویا می‌شوی می گوینـد، می‌خواهیم پس از مرگ وقتی ما را به این سـرزمین آوردند، قبرمان همین ابتدای ودای و بِر خیابان اصـلی و در این زمین دو نبش باشـد و ما را در انتهای وای دفن نکننـد که نه کسـی به زیارتمان بیایـد و نه برایمان فاتحه‌ای بخوانند! گاهی بدین سان چند نفر را می‌بینی که روی زمین خوابیده و دور هم خط می کشند. امان از جهالت که بشر را به چه کارهایی وامی دارد! امان!

۳. مقام منبر امام زمان (ع)

در وادی السّـلام، نقطه ای است که از دیربـاز به نـام مقـام امـام زمـان (علیه السـلام) شـناخته می‌شود. در این محل کراماتی در طول سالیـان متمـادی مشاهـده شـده ومردم به زیارت این محل می‌آینـد و در آن‌جا نماز می‌خواننـد. در باره اعتبار این محل چنـد روایت معتبر هست که به نقل یکی از آنها بسنده می کنیم.

سید بن طاووس (متوفای ۶۹۳ ه. ق) از ابی الفرج سندی (که از اصحاب امام صادق (ع) بوده) نقل کرده است که در

۱- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۴.

ص:۱۹

سفری که امام صادق (ع) به حیره آمده بود، من نیز همراه ایشان بودم. شبی فرمود تا برایش قاطری را زین کردیم. پس سوار شد و به نقطه ای در پشت کوفه رفت. من نیز همراه ایشان بودم. در سه نقطه پیاده شد و هر بار دو رکعت نماز گزارد. گفتم فدایت شوم. در سه موضع نماز گزاردی! فرمود: امّا اوّلی قبر امیر المؤمنین، دومی موضع رأس الحسین و سوّمی موضع منبر قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)(۱) بود این مکان را به اعتبار این که امام صادق (ع) در آن نماز گزارده، مقام امام صادق (ع) نیز می‌نامند.

۴. مقام امام زین العابدین (ع)

نزدیک صافی صفا مقام با عظمتی وجود دارد که از آن به نام مقام امام زین العابدین (علیه السلام) یاد می‌شود. شیخ محمد حرز الدین از محققین قرن سیزدهم هجری می‌نویسد: «علمای بزرگ، از مشایخ قدیم نجف و آنها نیز از مشایخ خود نقل کرده اند که وقتی امام علی بن الحسین (علیه السلام) برای زیارت جدّش امیرالمؤمنین (علیه السلام) از حجاز به عراق می‌آمد دراین محل سکنی می‌گزید تا اگر کسی ایشان را ببیند، گمان کند، مسافری است که از سفر حجّ باز گشته و از این طریق عازم بیابان های عراق است و در این جا فرود آمده تا ازچاه آب قدیمی که در نزدیکی آن قرار دارد، وضو بگیرد. آن گاه در فرصت مناسب و به دور از چشم ناظران و جاسوسان، مرکب خود را نزدیک چاه آبی که در آن نزدیکی بود، می‌خواباند و خود پیاده مسافت بین مقام تا قبر شریف امیرمؤمنان (ع) را می‌پیمود و آن را زیارت می‌کرد. سپس بازمی‌گشت و شب را در این مقام بیتوته می‌فرمود و بامدادان راهی حجاز می‌شد.»

خلاصه اخبار فراوانی حاکی از آمدن امام سجاد (ع) برای زیارت قبر جدّش امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ماندن ایشان در نزدیکی قبر مطهر وارد شده است اما چیزی که ثابت کند، مقام فعلی محل ماندن ایشان در شب هنگام بوده است، در دست ما نیست به جز شهرت زیادی که بین اهل نجف و دانشوران و راویان وجود دارد و به این شهرت توجّه زیادی می‌شود. اهالی نجف آن را به نام مقام امام زین العابدین (علیه السلام) می‌شناسند و خلف از سلف و کوچک از بزرگ نقل کرده‌اند.(۲)

۵. مسجد حنّانه

بین کوفه و نجف در منطقه ای که آن را «ثُوَیّه» می‌نامند، مسجدی به نام «حَنّانه» وجود دارد. این مکان دیواری داشته که هنگام عبور جنازه امام علی (ع) از نزدیکی آن به احترام (۳)عبور پیکر آن ولیّ الله الاعظم خم شده و یک بار دیگر وجود حیات و شعور را در جمادات به نمایش گذاشته است. واقعیّتی که قرآن کریم با صراحت برصّحت و درستی آن تأکید دارد. آن‌جا که می‌فرماید: «ان من شئ الّا یُسَبّحُ بِحَمدِهِ؛ هیچ موجودی نیست مگر این که به حمد و ستایش الهی مشغول است.»(۴)

به یقین حمد و ستایش، فرع بر وجود شعور و ادراک و حتّی اراده است. بنا براین جمادات هم می‌توانند، در برابر عظمت انسان کامل و ولیّ خدا سر تعظیم فرود آورند و کرنش کنند و اگر چنین احترام کنند، خود جاودانه محترم

۱- فرحهٔ الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین، سید عبدالکریم بن طاووس، ص ۸۶.

۲- تاریخ النجف الاشرف، ج ۱، ص ۳۴۳.

۳- الامالی، شیخ طوسی، ص ۳۲.

۴- سوره اسراء آیه ۴۴.

ص:۲۰

می‌شوند و دیوار مسجد حنّانه که آن را قائم مایل نیز نامیده‌اند، از این قبیل است.

همچنین امام جعفر صادق (علیه السلام) در این محل فرود آمده و نماز خوانده‌اند. هنگامی که علّت را پرسیدند، فرمودند: «وقتی سرهای شهیدان کربلا را به کوفه می‌آوردند تا به حضور عبید الله بن زیاد ببرند، سر مقدّس حضرت سید الشهدا (ع) را در این محل بر زمین نهاده اند.»(۱) و نیز در روایت مرسلی آورده اند که حاملان سرها در این نقطه با سر مقدّس سیدالشهدا (علیه السلام) بازی و بی احترامی کردند، به گونه ای که اسرا صدای ناله شان بلند شد و زمین نیز از این رفتار ناشایست نالید. از این رو این مکان به حنّانه معروف شد.(۲)

۶. نبی یونس (مقام یونس پیامبر (ع))

کم تر از دو کیلو متر بعد از مسجد کوفه به سوی آب فرات زیارتگاهی است که ساکنان محلّی آن را «نبی یونس» می‌خوانند. برخی گمان کرده اند، آنجا قبر حضرت یونس (ع) است. لیکن بررسی ها نشان می‌دهد که قبر آن حضرت در منطقه نینوا از استان موصل است. مرحوم سید مهدی قزوینی که از علمای صاحب نام منطقه بوده است، در اثری به نام «فلك النجاة» ضمن بیان مطالب فوق الذکر می‌افزاید: آنچه در نزدیکی مسجد بزرگ کوفه به نام آن حضرت وجود دارد، در واقع محلی است که به امر خداوند ماهی او را به خشکی انداخته و همان جایی است که قرآن می‌فرماید:

«فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاء وَهُوَ سَقِيمٌ وَأَنبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّن يَقْطِينٍ؛ پس او را به صحرای خشکی افکندیم در حالی که رنجور و ناتوان بود و گیاهی از کدو بر او رویانیدیم.»(۳)

۷. قبور سبعه (مشهد بنی الحسن علیهم السلام)

عبدالله بن حسن المثنی بن حسن المجتبی علیه السلام را بدان سبب عبدالله محض یعنی خالص نامیده‌اند، که پدرش فرزند امام مجتبی (علیه السلام) ومادرش فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) بوده است. او و دو برادرش حسن و ابراهیم و چهار برادرزاده‌اش که هرهفت نفر از اولاد امام مجتبی (ع) و امام حسین (ع) بوده اند، در روز عید قربان سال ۱۴۵ ه-. ق در زندان منصور دوانیقی به شهادت رسیدند. گفته می‌شود، آنان زنده به گور شده‌اند (۴)و نیز وارد شده که زندان را بر سرشان فرو ریخته‌اند و ایشان را به شهادت رسانده‌اند.(۵)

قبورمطهر این بزرگواران اکنون در محلی به نام هاشمیه آن سوی پل کوفه و کنار جاده قدیم کوفه به قاسم است.

آورده‌اند که عبدالله محض شباهت زیادی به رسول خدا (ص) داشته و خوش چهره و سخاوتمند بوده و تولیت صدقات امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بعد از پدرش برعهده داشته است.

«... و کان شجاعاً خطیباً شاعراً لسناً مهاباً وَقوراً کریماً

؛ او شجاع، سخنور، شاعر، زباندار، با ابّهت و با وقار و بزرگوار بوده است.»

۱- المزار، شهید اول محمد بن مکی عاملی، ص ۳۲.

۲- مراقد المعارف، ج ۲، ص ۲۲۱.

۳- مراقد المعارف، ج ۲، ص ۲۲۱.

۴- عمدة المطالب، چاپ بمبئی، ص ۸۰، مقاتل الطالبین، چاپ نجف، ص ۱۵۸.

۵- مراقد المعارف، ج ۲، ص ۱۵، به نقل از تذکرة الخواص.

ص:۲۱

هنگامی که منصور در سال ۱۴۴ ه‍- . ق حج گزارد، به ریاح بن عثمان، استاندارش در مدینه فرمان داد تا بنی الحسن را به ربذه تبعید کنند. او نیز آنان را با شانه‌های بسته و گردن و پا در زنجیر، سوار بر مرکب‌های خشن و بدون جهاز به تبعیدگاه روانه ساخت. هنگام خروج ایشان از مدینه، امام صادق (ع) از موضعی پوشیده که مردم و جاسوسان، او را نبینند، با اندوه فراوان بدیشان می‌نگریست و در حالی که از شدت گریه، اشک بر محاسن شریفش جاری بود، خدا را می‌خواند و می‌فرمود:

«وَاللهِ لاتُحفَظُ للهِ حُرمَةً بَعدَ هؤُلاءِ؛ به خدا سوگند پس از اینان حرمتی برای خدا نگه داشته نخواهد شد.»

برخورد کینه توزانه منصور به همین اندازه خاتمه نیافت. بار دیگر آنان را به عراق تبعید کرد و دستور داد تا در زندان هاشمیه (نزدیک کوفه) در یک زیرزمین نمناک که تشخیص شب و روز در آن امکان نداشت، به مدّت دو ماه محبوس کردند. آنگاه فرمان قتل ایشان را صادر کرد .... (۱)

۸. قاسم بن موسی الکاظم علیهما السلام

قاسم فرزند امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) و برادر تنی امام رضا (علیه السلام) و حضرت معصومه (علیها السلام) که پس از شهادت پدر بزرگوارش از سلطه عباسیان گریخت و در روستایی به نام «سوراء» در نزدیکی شهر حلّه مخفیانه زندگی می‌کرد تا وفات یافت. در واپسین روزهای زندگی و در بستر بیماری، خود را به اطرافیان معرّفی کرد و از ایشان خواست، دخترش را به مدینه برده و به مادرش تحویل دهند.

در باره عظمت شخصیت ایشان شخصی به نام ابی عماره می‌گوید: ما عازم عمره بودیم. در راهی به موسی بن جعفر (علیه السلام) و همراهانش برخوردیم. امام (علیه السلام) فرمود: آری! ای ابا عماره! اینان فرزندان من هستند و این یکی (اشاره به امام علی بن موسی (ع)) آقای ایشان است. سپس فرمود: ای اباعماره! من نیز از منزل بیرون آمده ام! و فرزندم علی (حضرت رضا (ع)) را وصی خود قرار داده‌ام و در ظاهر دیگر فرزندانم را با او در جانشینی خود شریک ساخته ام تا جانش حفظ شود، ولی در باطن به او وصیّت کرده‌ام. اگر کار به دست من بود، قاسم را جانشین می‌ساختم؛ چون او را نیز دوست می‌دارم و دلسوزیم براو بیشتر است لیکن این امر خدا است و هر جا بخواهد آن را قرار می‌دهد.(۲) همچنین سید علی بن طاووس در کتاب مصباح الزائرین زیارت ایشان را مستحب و فضلیت آن را در حدّ زیارت ابو الفضل و علی اکبر (علیهما السلام) دانسته است.

۹. زید بن علی بن الحسین علیهم السلام

ایشان نیز جایگاه رفیعی در نزد امامین باقر و صادق (علیهما السلام) داشته و در پی خونخواهی امام حسین (ع) از بنی امیه با مظلومیّت به شهادت رسیده است. وی در نزدیکی حله دارای حرم و بارگاه با عظمتی است و معجزات و کرامات فراوان از آن مشاهده شده است.

۱- مقاتل الطالبیین، ص ۲۳۰. الکامل، ابن اثیر، ج ۴، ص ۳۷۴.

۲- اعلام الوری ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، ص ۱۸۴.

ص:۲۲

۱۰ و ۱۱. نبی ایوب و ذی الکفل

قبر این دو پیامبر نیز در اطراف حله واقع شده است و هر کدام دارای حرم و زیارتگاه مهمی هستند.

۱۲. مدائن

مدائن شهری در نزدیکی بغداد است که سلمان فارسی و حذیفه بن یمان دو تن از اصحاب رسول خدا و امیرمؤمنان (علیهما السلام) در آن مدفون اند.

۱۳. نواب اربعه امام زمان (عج)

شصت و نه سال آغازین دوران غیبت حضرت ولی عصر (عج) را دوران غیبت صغرای آن حضرت نامیده‌اند. در این دوران چهار نفر پی در پی نیابت ایشان را بر عهده داشته‌اند. آنان به ترتیب ابوعمرو عثمان بن سعید زیّات، ابوجعفر محمد بن عثمان زیّات، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و ابوالحسن علی بن محمد سمری بودند و پس از وفات چهارمین نفر، دوران غیبت کبرای حضرت آغاز شده است. قبور مطهر این نایبان چهارگانه در شهر بغداد است.

ص:۲۳

ص:۲۴

اماکن زیارتی غیرمستند

اشاره

چنـان که گفته شـد، زائران عتبـات عالیـات در سـفرزیارتی خود علاـوه بر حرم هـای مطهر امامان معصوم (علیهم السـلام) از اماکنی بازدیـد و آنهـا را زیـارت می‌کننـد که برخی از آنها فاقـد ریشه و سـند معتبر بوده و برخی درعین مثبت و مسـتند بودن در هاله‌ای از عقاید خرافی و باورهای نامعقول گرفتار شده‌اند و این پیرایه‌های خرافه آمیز، سیمای زیبای این آثار و پدیده ها را نیز زشت و مشوّه جلوه می‌دهد. در این بخش این اماکن را به اختصار بررسی می کنیم.

۱. خانه امام علی (ع)

در این که امام علی (علیه السـلام) در اواخر عمر شـریفشان به مـدّت چهار سال و چند ماه عهده دار خلافت ظاهری بوده اند و مرکز حکومت ایشان در کوفه بوده و به یقین در خانه ای سـکونت داشـته انـد، تردیدی نیست ولی این که محل سـکونت ایشان درکجای کـوفه بوده، بیرون یـا درون دار الامـاره، اطّلاـع دقیقی در دست نیست؛ چون به هر حـال این احتمـال وجود دارد، که محـلّ فعلی در مجـاورت کـاخ دار الامـاره کوفه، خـانه آن حضـرت باشـد و نیز بـا توجّه به شـهرت این محـل به عنوان خـانه امـام، مـا نیز آن را رد نمی‌کنیـم. ولی تقسـیمات درون این خـانه قطعاً بـا روحیـات ایشـان سازگـاری نـدارد و سـاخته و پرداخته ذهن کسـانی است که در سال‌های آخر حکومت صدّام آن را بازسازی کرده اند؛ به عنوان مثال اختصاص مکانی به عنوان مکتب الحسنین (علیهما السلام) در این خانه، فاقد هرگونه توجیه عقلایی است. اعتقاد متقن شـیعی ما این است که آن دو بزرگوار امام بوده اند و علم لدنّی داشـته‌اند و نیازی به تعلّم و فراگیری نداشته‌اند. علاوه بر این در زمان حاکمیت پدرشان در کوفه یعنی بین پنجاه و هشت سالگی تا شصت و سه سالگی از عمر آن حضـرت، این دو بزرگوار نیز مردانی سـی، چهل ساله و دارای شخصیّت و زندگی مستقل بوده اند و داشتن چنین مکتبی در خانه پـدرشان برای آن دو بزرگوار قابل توجیه نیست. برخی کوشـیده اند، با ترجمه کلمه مکتب به معنی محلّ تدریس یا دفتر کار، مشـکل را حل کنند اما قابل پذیرش نیست؛ زیرا چگونه اتاقی به این کوچکی آن هم درون خانه مسـکونی امام و در کنار خـانواده آن حضـرت می‌توانسته است، محل تـدریس یا دفتر کار اداری آن هم برای دو نفر باشـد. در این صورت تردّد شاگردان یا اربـاب رجوع به درون خـانه شخصـی امـام چگونه قابل توجیه است؟ گرفتن مکتب به معنای مکتبه یعنی کتابخانه هم درست نیست؛ چون امام مستغنی از داشتن کتابخانه ومراجعه به کتاب است.

از این‌هـا گذشـته، نماز هایی که برای قسـمت های مختلف این خانه تشـریع و ابـداع کرده‌انـد، مثل نماز مکتب الحسـنین یا نماز چاه امیرالمؤمنین یـا نماز مغتسل امیرالمؤمنین یا نماز اتاق حضـرت زینب و ام البنین فاقـد وجاهت و ریشه درست و مسـتند بوده و موجب وهن شیعه است؛ مگر آن که به زائران تفهیم شود، در این فرصت‌ها، نمازهای مأثوری از قبیل نماز

ص:۲۵

هدیه به امام علیه السلام یا نماز حاجت یا نمازهای اداء و قضای یومیه به جا آورند.

از نمازهای ساختگی هم که بگذریم روزانه (در زمان تدوین این سطور) حدود هشت هزار نفر زائر وارد عراق می‌شوند و جمع زیادی از مردم عراق هم هر روز به این محل می‌آیند و همگی مقیدند از این خانه بازدید کنند یعنی از راهروهای تنگ آن عبور و در هر یک از اتاق ها و زوایای این خانه نماز بگذارند و طبعاً زن و مرد نامحرم به یکدیگر برخورد می کنند که این تلاقی نامحرمان به یکدیگر، خلاف شرع آشکار بوده و به هیچ عنوان قابل توجیه نیست.

۲. میزاب رحمت (ناودان طلای حضرت علی (ع))

درون صحن امام علی (ع) و در سمت قبله حرم مطهر ناودان طلایی وجود دارد که در سال های اخیر شهرت فراوان یافته است. ایرانی ها در وقت مشایعت به هم سفارش می کنند که هنگام تشرّف به نجف زیر ناودان طلای حضرت علی (ع) برایم نماز بخوان یا برایم دعا کن! گاهی هم اطراف حرم، زائران سرگردانی را می‌بینید، که از شما سراغ ناودان طلا را می گیرند. عرب ها به این ناودان میزاب رحمت می گویند. این ناودان که کم کم شهرتش فزونی یافته و شانه به شانه ناودان طلای کعبه می‌زند، از هدایای نادرشاه افشار به حرم امام علی (ع) است که در سال ۱۱۵۶ ه‍. ق به زیارت حضرت مشرف شده و گنبد و گلدسته ها و ایوان حرم را طلاکاری کرده است. این طلاها اکنون متعلّق به حرم مطهّر و از اموال آستان مقدّس علوی است، ولی چنان که می‌دانید، امام علی (ع) ارادتی به طلا نداشته و عبارت تکان دهنده «

یا صَفراء یا بَیضاء غُرّی غَیری[(۱)]

» یعنی ای زرد و ای سفید! غیر مرا فریب دهید! از بیانات امیر مؤمنان (ع) است بنا بر این تأکید بر نماز یا دعا در زیر این ناودان هم از همان بافته های عوامانه است که اصل و ریشه قابل توجیهی ندارد.

۳. عتبه حرم‌ها

عتبه به معنای آستانه یا قسمت پایین چارچوب درِ ورودی است. در سیره بزرگان و علما دیده شده که برخی به هنگام ورود به حرم‌ها زانو بر زمین نهاده و عتبه حرم را بوسیده‌اند. چنان که برخی نیز دیگران را از این کار منع کرده‌اند. نگارنده در حدّ خود نمی‌بیند که بگوید، عتبه حرم‌ها را تأدّباً ببوسید یا نبوسید. از فرزانه‌ای پرسیدند در شعر حافظ (ره) عبارت کشتی شکستگانیم درست است یا عبارت کشتی نشستگانیم ای باد شرطه برخیز؛ باشد که باز بینیم دیدار آشنا را؟ فرمود:

بعضی نشسته خوانند، برخی شکسته دانندچون نیست خواجه حافظ، معذور دار ما را

لیکن اگر بنا دارید، هنگام تشرّف عتبه حرم را از روی ادب ببوسید، شایسته است، پیش از آن، زائران همراه را توجیه کنید تا به گمان آن که شما به سجده افتاده اید، امام را سجده نکنند، که این کار علاوه بر این که ممکن است، آنان را تا سر حدّ شرک و کفر و سجده بر غیر خدا پایین بیاورد، ابزار مساعدی نیز برای هتک حیثیّت شیعیان در گستره جهان فراهم سازد. بدخواهانی که شیعه را به شرک و کفر متّهم می کنند، به این قبیل صحنه‌ها استناد خواهند کرد و می گویند، اینان مشرک اند. بنگرید که چگونه دسته جمعی، امامان خود را سجده می کنند!

۱- بحارالانوار، ج ۳۴، ص ۳۱، جلد ۳۹، ص ۶۹

ص:۲۶

۴. باغ امام صادق (ع)

در کربلا باغی موسوم به باغ امام صادق (علیه السلام) است که مالک فعلی در آن بنایی احداث کرده و ضریحی تعبیه کرده است. مالک این باغ مکرر از بلندگو اعلام می‌کند که اینجا باغ امام صادق (علیه السلام) است و من هم خادم این باغ هستم. دو رکعت نماز بخوانید و وجوه خود را در این ضریح بریزید. گاه و بیگاه خرمایی هم به بعضی تعارف می‌کند که این خرمای متبرک باغ امام صادق (ع) است و ....

اگر همه پیشینه و تاریخ آن را که بررسی کنید به این نتیجه می‌رسید که شنیده‌ها می‌گویند هر وقت امام صادق (ع) به کربلا می‌آمده‌اند، در این باغ استراحت می‌کرده‌اند یا سکنی می‌گزیده‌اند. اوّلًا عبارت شنیده‌ها می‌گویند چه قدر می‌تواند اطمینان‌بخش باشد؟ ثانیاً آن ضریح و آن نماز و آن خرمای متبرّک مستندشان کجاست؟ ثالثاً مگرنه این است که امام صادق (ع) برای زیارت جدّشان به کربلا آمده اند و گرنه مدینه کجا و کربلا کجا؟! اگر بپذیریم که هدف آن حضرت زیارت امام حسین (علیه السلام) بوده، چگونه ما زائری را که فقط دو روز در کربلاست؛ آن هم بعد از سی سال انتظار و آرزو و این همه سرمایه گذاری و این همه خطرات و مشکلات و ... از کنار حرم امام حسین (علیه السلام) با پای پیاده به این باغ می‌آوریم و برمی‌گردانیم و او هم در بین راه کلّی اجناس بی‌کیفیت چینی از قبیل پتو و اسباب بازی و غیره می‌خرد و خسته و رنجور وقتی کنار حرم می‌رسد و به او پیشنهاد زیارت حرم را می‌دهی، سرش را پایین می‌اندازد و اظهار می‌دارد، خسته شده ام و این اجناس همراه را هم باید به هتل ببرم. و بدین گونه توفیق زیارت از آنان سلب می‌شود.

نتیجه این که متأسفانه این آدرس‌های غلط و این شاخه‌های فرعی در اطراف حرم امام حسین (ع) و حضرت ابالفضل (ع) کار زائران ما را به جایی رسانده است که در مدت اقامت زائران در کربلا یکی دو بار به حرم امام حسین (ع) و یک بار نیز به حرم ابالفضل (ع) می‌روند و باقی وقتشان صرف همین شاخه‌های فرعی می‌شود. مرتّب از بیرون حرم به این دو بزرگوار تعظیمی می‌کنند، به یکی از کوچه و خیابان های اطراف می‌روند تا فلان جا را زیارت کند.

۵. مقام شیر فضّه

از جاهای دیگری که در این چند سال وقت زائران صرف بازدید از آنها می‌شده است، بازدید از مقام شیرِ فضّه است و خلاصه قصّه آن چنین است که جناب فضّه کنیز حضرت زهرا (سلام الله علیها)- که اصل حضور او در حادثه عاشورا محل تردید است- در عصر عاشورا اعجازی فرموده و شیری را که نزدیک کربلا می‌زیسته به کربلا آورده است. نخستین پرسشی که فوراً به ذهن انسان خطور می‌کند، این است که علّت احضار این شیر در کربلا چه بوده است؟ و جوابی که می‌شنود، این که یا برای حفاظت از پیکر بر خاک افتاده شهدا و یا برای حراست از اسرای عظیم القدر که بعد از شهادت امام حسین (ع) گرفتار دشمن شدند، این شیر به اعجاز فضّه خاتون در کربلا حضور یافته و جالب این است که این شیر بی هنرهیچ یک از این دو کار مهم را انجام نداده است؛ یعنی نه اجساد شهدا را حفاظت کرده (چون همه می‌دانیم که آن پیکرهای مطهّر را زیر سم اسبان لگدکوب کردند) و نه اسرا را حراست نموده است؛ زیرا در تاریخ مسلّم شده است که خیمه ها را آتش زدند و اموال بانوان حرم را غارت کردند؛ حتی خلخال از پاها کشیدند و برای رسیدن به گوشواره گوش های دخترکان یتیم را دریدند و زن و بچّه های اسیر را در بیابان آواره و پراکنده ساختند و بهترین دلیل بر کذب این روایت این است که به عنوان مثال، هیچ کس از آن سی هزار نفری که در کربلا جمع شده بودند، نگفتند و حتی یک مورد در تاریخ نیامده است، که وقتی خواستم به فلان خیمه یورش ببرم، ناگهان شیری به من حمله کرد و ما

ص:۲۷

را از این کار باز داشت. ممکن است کسی بگوید که در فلان کتاب معتبر به قصّه شیر فضّه اشاره شده است. پاسخ روشن است. همان که گفتیم اگر بود یک نفر اورا می‌دید. لیکن از این گذشته همه می‌دانیم که روایات ما ظنی الصدور هستند. به فرض این که چنین مطلبی در کتابی آمده باشد. چه ضرورتی دارد که ما هر چه را در کتابی دیدیم آن را برای زائر عوامی که فقط دو روز می‌خواهد مولایش امام حسین (ع) را با خیالی آسوده زیارت کند و بازگردد، تعریف کنیم و وقت گرانبهای او را صرف بازدید از چنین اماکنی کنیم و با افزودن کلّی شبهه به ذهن و فکرش او را روانه وطن سازیم؟ آیا این کار منصفانه است؟ آیا موضوع امام حسین (ع) و حقّانیّت قصّه کربلا آن اندازه سست و بی پایه است که این جناب شیر آن هم نه با اراده خود آن حضرت یا امام سجاد (ع) یا حضرت زینب کبری (س) که به برکت جناب فضه خادمه، بخواهد آن را به اثبات برساند؟

۶. مقام احتجاج

مقام احتجاج نقطه ای است که می گویند امام حسین (ع) با عمر سعد در آن جا جلسه ای داشته اند. صرف نظر از این که معلوم نیست محل آن جلسه دقیقاً همین جا باشد؛ بازهم سخن این است، که آنچه مربوط به امام حسین (ع) است که با وجود قبر مطهّر آن حضرت و ضریح و حرم بارگاه و گنبد و صحن و ... بحمدالله حاصل است. باقی می‌ماند عمر سعد ومحل نشستن او. آیا این پلید و محل نشستنش آن اندازه اهمیّت دارد که زائر، زیارت امام حسین (ع) را ترک کند وبه زیارت یا بازدید از آن برود؟

۷. نهر علقمه

در کربلای کنونی محل دقیق نهر علقمه مشخّص نیست و کسی هم مدّعی آن نیست. در این یک هزار و چند صد سال به اندازه‌ای ساخت و ساز و تخریب و جا به جایی در کربلا صورت گرفته است که هیچ نمی‌توان معین کرد، حضرت ابالفضل علیه السلام به طور دقیق برای آوردن آب به کجا رفته است و از کجا آب آورده است؟ آبی که اکنون در بین راه باغ امام صادق (ع) و در کنار مقام امام زمان (ع) جاری است، نهر الحسینی نام دارد و از محله‌ای به نام الحسینی در حدود پانزده کیلومتری کربلا از فرات اصلی منشعب شده است، تا زمین‌های زراعی بین راه خود را سیراب سازد و اکنون به خاطر ازدیاد جمعیّت و افزایش مصرف آب در کربلا و بالاآمدن سطح آب‌های زیرزمینی، فاضلاب هتل‌ها و خانه‌های اطراف این نهر بر آن مسلّط شده و در آن می‌ریزد تا با عبور از کنار کربلا یا صرف زراعت شود و یا پسمانده آن دو باره به فرات اصلی ملحق گردد. اگر در تابستان سابقه تشرّف داشته باشید، بوی تعفّنی را که از این آب در فضا متصاعد می‌شود، استشمام کرده‌اید. با این وجود پلکان سیمانی وسیعی که بر حاشیه این نهر ساخته‌اند، مورد استفاده اکثر کاروان‌هاست. مبلّغان به جای آنکه زائر را به صحن مطهّر حضرت ابالفضل ببرند و مرثیه شهادت آن بزرگوار را برای ایشان بخوانند، آنها را برای ذکر مصیبت کنار این آب آورده و روی این پلّکان سیمانی می‌نشانند و اگر هیچ اشاره‌ای هم نکنند، خود به خود در ذهن زائران چنین تداعی می‌شود، که حضرت اباالفضل العباس (ع) برای آوردن آب به این محل آمده است و ....

لازم به یادآوری است که اگر در مفاتیح الجنان دیده‌اید، که مرحوم شیخ عباس قمی اصرار می‌ورزد که برای غسل زیارت از آب فرات استفاده کنند یا شنیده‌اید، که جابر بن عبدالله انصاری وقتی برای زیارت امام حسین (علیه السلام) در اربعین اول آن حضرت به کربلا آمد، در آب فرات غسل کرد و آن گاه به زیارت آن حضرت نایل شد؛ باید توّجه کنید که

ص:۲۸

در زمان جابر آب مثل امروز آلوده نبود و در زمان شیخ عباس نیز در کربلا آب لوله کشی وجود نداشت و مردم از آب چاه استفاده می‌کردند. شیخ عباس به استناد روایتی که در بیان شرافت آب فرات رسیده، اصرار می‌کند، که زائر در آب فرات غسل کند. لیکن امروز آن چاه‌های قدیم بسته شده و آب مصرفی عموم مردم کربلا و حتی نجف و آبادی های اطراف آن ها از آب فرات است و مردم آبی جز آب فرات برای مصارف روزمرّه خود ندارند. همین آب فرات را تصفیه می‌کنند و از طریق لوله در هتل‌ها در اختیار شما هم قرار می‌دهند. بنا بر این اگر زائر نذر هم کرده باشد که در آب فرات غسل کند وقتی در حمّام هتل غسل کرد، به نذرش عمل کرده و ذمّه اش بری شده است.

۸. خیمه حضرت قاسم

خیمه‌گاه فضای مثبتی است. بازسازی شده، مفروش و مزّین با فضای روباز و سر پوشیده و برای برگزاری مراسم دعا، توسّل، سخنرانی و مدّاحی آماده است. لیکن در گوشه ای از این فضا، خیمه حضرت قاسم بنا شده که این امر موجب شده است، برخی داستان عروسی حضرت قاسم را که ریشه معتبری ندارد، مطرح کنند و اظهار دارند که شب عاشورا اگر امام حسین (ع) از دشمن مهلت خواست و جنگ را یک شب به عقب انداخت، برای اجرای مراسم عروسی قاسم بوده است. ما در تاریخ خوانده و در منابر گفته و شنیده‌ایم که عصر تاسوعا وقتی عمر سعد خواست جنگ را شروع کند، امام حسین (ع) به برادرش ابوالفضل (ع) فرمود: برادرم! من از مرگ و جنگ واهمه‌ای ندارم ولی به نماز و تلاوت قرآن علاقه‌مندم. با اینان سخن بگو و اگر می‌توانی یک امشبی را برایم مهلت بگیر تا به نماز و تلاوت بپردازم. نیمه شب هم وقتی جاسوس عمر سعد از اطراف خیمه‌ها بازدید کرد به وی چنین گزارش داد که: «

لَهُم دَوِیٌّ کَدَوِیِّ النَّحلِ

» یعنی خیمه های اینان به سان لانه های زنبور است، همگی سرگرم دعا و تضّرع و مناجات و تلاوت و نماز هستند. اکنون شما داوری کنید که اگر کسی بنشیند و بگوید که خیر! اینان آن شب عروسی داشته اند، اوّلًا: چه بیراهه رفته است و ثانیاً: چه بهانه‌ای به دست برخی بانوان عوام منتظر چنین فرصت هایی داده تا به سرعت بساط عروسی و حنابندان به پا کنند و نهضت مقدس حسینی را که درس زندگی و حماسه برای همه بشریّت در پهنه زمین و درازای زمان است به افسانه‌ای سمبلیک و عاشقانه بدل سازند!؟

۹. مقام مشک! مقام کِشتی!

در سمت قبله حرم حضرت ابالفضل (علیه السلام) ماکت مشکی در وسط میدان ساخته شده که بنای آن مربوط به همین سنوات اخیر است و نمادی از عطش و آب و تشنه کامی است و سابقه ای در تاریخ گذشته این سرزمین ندارد. گرچه برادری این جا را هم به عنوان مقام مشک حضرت ابالفضل (ع) معرفی کرده بود! و نیز کشتی بزرگی هم در سمت حرم امام حسین (ع) ساخته شده است، که گویا برداشتی سمبلیک از حدیث معروف «

انَّ الحُسَینَ مِصباحُ الهُدی وَ سَفینَةُ النَّجاةِ

» است و اگر به هوش نباشیم شاید تا چند روز دیگر مقام کشتی نیز به مقامات قبلی افزوده شود.

۱۰، ۱۱ و ۱۲. مقام علی اکبر (ع)، مقام علی اصغر (ع)، کف العبّاس (ع)

هیچ از خود پرسیده اید در آن گیر و دار روز عاشورا واقعاً چه کسی می‌توانست زمین کربلا را نشانه‌گذاری کند و حوادثی جزئی

از این قبیل را معیّن سازد که حضرت علی اکبر (ع) کجا از اسب فرو غلتیده و حضرت علی اصغر (ع) کجا

ص:۲۹

هدف تیر واقع شده و دست راست و دست چپ حضرت ابوالفضل (ع) هر کدام کجا روی زمین افتاده اند و اگر هم چنین نشانه گذاری صورت می گرفت، چگونه می توانست این نشانه های جزئی تا قرن ها باقی بماند و به ما منتقل شود، بدون آن که در هیچ متن تاریخی یا روایی به آن اشاره شده باشد و توسّط کارشناسان و محقّقان معتبر و مطمئن مورد تصدیق واقع شده باشد؟ کدام یک از ما با چه دلیلی و با استناد به کدام مدرک اطمینان بخشی می‌توانیم مدّعی شویم، اماکنی که امروز برای وقایع یاد شده معرّفی می‌شوند، واقعاً محلّ دقیق وقوع آنها بوده است؟

البتّه این جا به دو نکته اساسی باید توجّه داشت: یکی این که تصوّر نشود چنانچه امروز ما این موارد را با این وضوح نفی کنیم، فردا ممکن است مردم در اصل ماجرای عاشورا و کربلا؛ امام حسین (ع)؛ اباالفضل (ع)؛ علی اکبر (ع) و ... تردید کنند و همه چیز زیر سؤال برود. خیر، اوّلًا حادثه کربلا ریشه دار تر از آن است که با نفی چنین پدیده هایی متزلزل شود؛ ثانیاً این نوشته هرگز در صدد نیست که در اصل شهادت علی اکبر یا علی اصغر یا قطع دستان مبارک قمر بنی‌هاشم (علیهم السلام) تردید کند؛ حاشا و کلّا!! چنان که تردیدی نیز وجود ندارد، در این که واقعاً این جنایات بزرگ در همین فضا و سرزمین تحقّق یافته است. مدّعای ما فقط این است که تعیین مکان خاصّی برای وقوع هر یک از این جنایات نیازمند دلیلی متقن و عقلائی است و چنین دلیلی مسلّماً وجود ندارد.

گزارش وقایع محرم سال ۶۱ هجری در کربلا با همه جزئیاتش هم در متون تاریخی و هم در متون حدیثی و روایی شیعه آمده است. قدیم ترین گزارش تاریخی حوادث یاد شده مقتل ابی مخنف است که یک موّرخ شیعی بوده و همین مقتل منبع گزارش حوداث کربلا در تاریخ معروف طبری است و دیگر مورّخین تقریباً هرچه دارند، از طبری گزارش کرده اند. همچنین محدّثین بزرگواری در طول تاریخ هزار و چند صد ساله گذشته جزئیات همین حوادث را در معتبر ترین آثار روایی خود بیان کرده اند، از قدیمی‌ها می‌توان ابن قولویه را نام برد و پس از وی به ترتیب شیخ صدوق، شیخ مفید و شیخ طوسی، و بعد از آنها سید بن طاووس صاحب اثر ماندگار لهوف و به دنبال او مرحوم مجلسی که با دّقت و وسعت در بحارالانوار (عربی) و حیوة القلوب و جلاء العیون (فارسی) و غیر آنها رخداد کربلا را آورده‌اند. این اواخر هم محدّث بزرگ حاج میرزا حسین نوری طبرسی و شاگردش محدّث قمی صاحب نفس الهموم همین راه را طی کرده‌اند. اگر همه این آثار فخیم و گران سنگ را زیر و رو کنید، در هیچ یک از آنها اشاره‌ای به مقام علی اکبر و علی اصغر نشده و نامی از محل قطع دست ها به میان نیامده است که اگر بود به یقین آن ها هم از آوردن گزارش آن دریغ نمی کردند.

این مقام‌ها یقیناً مربوط به همین چند دهه اخیر است که با نگاهی خوشبینانه باید گفت کسی که از صفای باطن برخوردار بوده اینها را معرفی کرده و اگر قدری واقع‌بینانه قضاوت شود، باید گفت که این‌گونه پنداشت‌ها ریشه در جهل جاهلان یا غرض‌ورزی مغرضان دارد.

آثار و پیامدهای ترویج و تبلیغ اماکن غیر مستند

از آثار منفی و وجود تالی فاسد بقای این سه چهار مقام غیر مستند، جلب توجّه مردم به سوی آن‌ها و سلب توفیق زیارت و محرومیّت از درک محضر امام حسین و اباالفضل و علی اکبر (علیهم السلام) و دیگر شهدای والا مقام کربلاست و زمانی را که زائر صرف تردّد بین این اماکن و تماشای آنها می کند، به همان اندازه از تشرّف در صحن و حرم آن بزرگواران و زیارت قبور مطهر آنان محروم می‌شود. به طوری که پیامدهای منفی و زیانبار ترویج چنین اماکنی را می‌توان بدین شرح برشمرد:

۱) رسمیت دادن به اماکن جعلی در حالی که آموزه‌های دینی بر خلاف آن است؛

۲) از بین بردن فرصت‌های ارزشمند زائر؛

۳)

ص:۳۰

محروم شدن زائر از زیارت امام حسین (علیه السلام) و شهدای کربلا که هدف سفر است؛

۴) مزاحمت برای ساکنان اطراف این اماکن جعلی؛

۵) تزاحم و تصادم با نامحرم در گذرگاه‌های تنگ این اماکن؛

گویا سخن امام امیرالمؤمنین (ع) را از یاد برده ایم که تازیانه در دست در بازار کوفه قدم می‌زد و به مردم می‌فرمود: شنیده‌ام در بازار شانه‌های زنانتان به شانه مردان نامحرم برخورد می کند! خدا لعنت کند مردی را که غیرت ندارد! (۱)(۶) سوء استفاده سودجویان از اعتقادات مردم.

یکی از دوستان تعریف کرد که خانمی از همراهان ما وقتی چشمش به گهواره موجود در مقام جعلی علی اصغر (ع) افتاد، چند دقیقه بر مظلومیّت آن حضرت گریست و ناگهان گردنبند و النگوها و گوشواره‌ها و همه جواهر آلات همراه خود را یک جا در گهواره انداخت و رفت. به راستی دست این سودجویان را چه کسی باز کرده است؟ آیا ما اگر این زائران عاشق را به این اماکن نمی‌بردیم چنین اتفاقی می‌افتاد؟ آیا عمل ما مورد تأیید سالار شهیدان است؟

شایسته است به عنوان یک تکلیف شرعی به جای بردن زائران ائمه معصوم (علیهم السلام) به این کوچه پس کوچه‌های انحرافی از آنان بخواهیم تا با حضور در حرم های مطهّر از خدای بزرگ کمال و معنویّت را در حضور ارواح بلند آنان طلب کنند.

۱۳. اعمال خرافی در بین الحرمین

حدّ فاصل حرم امام حسین (ع) تا حرم حضرت اباالفضل (ع) در گذشته بازاری به نام بین الحرمین بوده است. صدّام در اواسط دوران حاکمیّت خود این بازار و خانه های پشت آن را ویران کرد و به جای آنها خیابانی عریض با چند ردیف درختان نخل احداث نمود. این فضا که اکنون نیز بین الحرمین نامیده می‌شود، با توّجه به چشم انداز های زیبایی که در دو سوی خود دارد (گنبد و بارگاه امام حسین (ع) و حضرت اباالفضل (ع)) و نیز فضای سبز و درختان و آب نما ها بسیار قابل بهره برداری است، زائران می توانند در این محیط برنامه‌های مفید مذهبی از قبیل دعا و توّسل و زیارت، مدّاحی و حتی سخنرانی داشته باشند. ولی باید هوشیار بود که عناصری جاهل یا مغرض در تلاش‌اند تا همین محیط خوب ومثبت را به خاستگاهی برای افکار خرافی و اعتقادات باطل تبدیل کنند. چنان که در ایام حج سال گذشته (۱۴۲۹) در کربلا ـ افرادی مغرض یا نادان مردم را وادار می کردند تا هفت شوط (به عدد اشواط سعی بین صفا و مروه در حج) بین حرم امام حسین (ع) تا حرم حضرت اباالفضل (ع) رفت و آمد کنند و احرام بپوشند و هروله کنند و بگویند:

اللَّهُمَّ لَبَّیکَ؛ لَبَّیکَ یا حُسَین!

... نیک بیاندیشید که

اللَّهُمَّ لَبَّیکَ

را از حج گرفته‌اند و مخاطب آن خداست و

لَبَّیکَ یا حُسَین

را از پاسخ به ندای

هَل مِن ناصرٍ

امام حسین (ع) برداشته اند و مخاطب امام حسین (ع) است و اگر این دو شعار با هم آمیخته شود، چه آبرویی از شیعه می‌برد چه بسیارند دل‌های بیماری که آرزوی دست یافتن به چنین فرصتی دارند تا شیعه را متهم کنند و چه سرمایه ای باید هزینه شود تا آثار

سوء این تهمت خنثی گردد؟!

جوانانی ناآگاه در این محیط به بهانه تأسّی به چهره خاک‌آلود و خونین امام حسین (ع) در ظهر عاشورا خود را به زمین انداخته و صورت های خود را به خاک می‌ساییدند تا خونین شود! چهار دست و پا بر زمین راه می‌رفتند و عوعو می کردند، با این توجیه غلط که ما سگ حسین و ابالفضلیم!! و معتقدند که اهل بیت از اصحاب کهف که کمتر نیستند. آنها سگشان را هم با خود بردند و عاقبت به خیرش کردند، چرا این‌ها نکنند؟!

۱- بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۵.

ص:۳۱

۱۴. سنگ قرمز بالای سر مبارک امام حسین (ع)

در سمت سر مقدس امام حسین (ع) و درکنار ضریح مطهر سنگ قرمزی بر زمین نصب شده که جمعیّت بر آن ازدحام می کنند و نوبت می گیرند تا روی آن بایستند و نماز بخوانند. در باره تاریخ و ماهیّت این سنگ، متولّیان حرم امام حسین (علیه السلام) می گویند، زمانی که هنوز حائل میان زنان و مردان در این مکان نصب نشده بود و خیل زائران، مشتاق بودند که در سمت بالای سر مبارک امام (ع) نماز بخوانند، گاهی به خاطر ازدیاد جمعیّت وعدم توجّه، زائران به تدریج جلو می‌رفتند به حدّی که جلو تر از قبر مطهّر به نماز می‌ایستادند و مراجع عظام تقلید برای نماز در حرم امامان معصوم (علیهم السلام) حدّی قائل اند و نماز مقدم بر امام را برخی صحیح نمی‌دانند، لذا این سنگ قرمز به عنوان نشانه محاذات، نصب شد؛ یعنی این که این جا برابر بدن مبارک امام (ع) است و از این قدری عقب تر بایستند. به زودی تمام سنگفرش حرم مطهّر تعویض می‌شود و این سنگ نیز برداشته خواهد شد.

داستان‌هایی که برای این سنگ و قرمزی آن و فضیلت نماز بر روی آن ساخته شده و چه بسا از این پس نیز ساخته شود، کاملًا بی‌اساس است!!

ص:۳۲

ص:۳۳

اعمال مسجدین سهله و کوفه

اشاره

در گذشته‌های نه چندان دور مدیریت اعمال مسجدین را مرشدها به عهده داشتند و این امر دو اشکال عمده داشت: یکی این که برداشت عمومی این بود که مبلّغان اعزامی همراه کاروان ها قادر به انجام این اعمال و خواندن این دعاها نیستند و این یک اهانت آشکار به همه روحانیان و مدّاحان عزیزی بود که در طول حدود ده روز، خود را از کار و درس و خانواده و فعالیّت های روزمره زندگی منفک کرده و تنها به عشق اهل بیت عصمت (ع) و خدمت به زوّار آنان رنج سفر را بر خود هموار و همه مشکلات طول مسیر و خطرات گوناگون را به جان می‌خریدند امّا آن گاه که به مسجدین کوفه یا سهله می‌رسیدند، بدون دلیل کنار گذاشته می‌شدند در حالی که یکی از اعمال عبادی این سفر همین اعمال مسجدین بود.
دوم این که در حین اعمال یا در پایان آن مرشد به زائران پیشنهاد می‌کرد که همین اعمال را به نیابت پدر، مادر و دیگر گذشتگان آنها انجام دهد و از این بابت مبلغ هنگفتی از هر کاروان اخذ می‌نمود در حالی که اوّلًا معلوم نبود، او به این همه نیابت عمل کند؛ ثانیاً چنان که خواهیم گفت، نیازی به پرداخت این همه هزینه نبود و زائر می‌توانست خود با یک نیت ساده همه بستگان و دوستان زنده و مرده اش را در ثواب اعمال خود شریک سازد. به منظور حفظ حیثیت مبلّغان عزیز کاروان ها و پیشگیری از هزینه هنگفت نیابت‌ها لازم است، انجام اعمال مسجدین را مبلّغان کاروان ها شخصاً بر عهده گیرند و مدیران نیز موظف هستند ضمن پرهیز از به کارگیری مرشد، کمال مساعدت را در این جهت با مبلّغان کاروان خود انجام دهند.

نکات لازم در اجرای مراسم مسجدین

۱. پیش از رفتن به مسجد، در هتل زائران را نسبت به اعمال مسجدین توجیه کنید که اعمال مسجدین کوفه وسهله مستحبی است و در مستحبات انسان می‌تواند ضمن این که عملی را برای خودش انجام می‌دهد، نیت کند که همان عمل به نیابت جمع کثیری که خودش تعیین می‌کند محسوب شود. همان گونه که وقتی به زیارت هریک از امامان معصوم (علیهم السلام) می‌روند، چنین نیّت می‌کنند که زیارت می‌کنیم این امام بزرگوار را برای خودمان و به نیابت پدران، مادران، اقوام، سفارش کنندگان، امام راحل و شهدا، اموات و ... قربةً الی الله. بدیهی است در این صورت این عمل مستحبی در نزد پروردگار تعالی هم برای انجام دهنده منظور می‌شود و هم خدای مهربان بدون آن که چیزی از ثواب او بکاهد، عین همین ثواب را به همه کسانی که برای آنها قصد نیابت شده، عطا و عنایت می‌فرماید و حتّی چه بسا ثوابی هم به خاطر قصد نیابت به خود این شخص عطا می‌فرماید. بنا براین زائران محترم بدون آن که پولی در این

ص:۳۴

جهت به کسی بپردازند می‌توانند اعمال مسجدین را خودشان انجام دهند و برای هر کسی هم که مایلند، قصد نیابت کنند البته همین جا فرصت خوبی است تا بر فضل و عنایت بی حساب الهی تأکید شود و این که خدای مهربان چه قدر بخشنده است و به هر بهانه ای بندگانش را از عطای سرشار خود بهره مند می‌فرماید.

۲. به زائران اعلام کنید که برای مدیریّت اعمال عبادی و برنامه های معنوی کاروان در خدمت شما هستم و راهنمایی برنامه های مسجدین سهله و کوفه را خودم شخصاً انجام خواهم داد و نیازی به استخدام مرشد و واگذاری کار به غیر نیست.

۳. اگر مدّتی است به عتبات نیامده اید و محلّ دقیق مقام‌ها را به خاطر ندارید، از نقشه مسجدین که ضمیمه این نوشته است، استفاده کنید و یا در ابتدای ورود به عنوان معّرفی کلّی مقام‌ها، به اتفاق زائران همراه گشتی در مسجد بزنید. به این صورت در جریان مقام‌های مسجد قرار می‌گیرید. البته نام هر یک از مقام ها با خط درشت و خوانا روی سنگ‌هایی حکّاکی و در معرض دید همگان نصب شده است.

۴. اعمال مربوط به هر مقام مستقل از مقام‌های دیگر است و ترتیبی ندارد. بنا بر این در هر مقامی که ازدحام کمتری دیدید می‌توانید عمل مربوط به آن را انجام دهید.

۵. اگر درون مقامی به خاطر ازدحام جمعیّت، جا نبود، می‌توانید قدری دورتر از آن، کنار جمعیّت متصل به آن مقام بنشینید و صرف اتّصال به جمعیّت برای شما کافی است. (همانگونه که در حج، برای خواندن نماز طواف پشت مقام ابراهیم با این که آن نماز عبادتی واجب است، فقها همین اتّصال به جمعیّت نمازگزار را کافی می‌دانند؛ چه رسد به عتبات که نمازها و عباداتش مستحب است.)

۶. می‌دانید که در انجام مستحبات انسان باید به ظرفیّت روحی خود توجّه کند و اگر نشاط لازم همراه با اقبال قلبی و روحی درخود نمی‌بیند، بهتر است، عمل مستحبی را کوتاه و مختصر یا حتی آن را ترک کند.(۱) متأسفانه اکنون در بین زائرانی که سابقه تشرّف به عتبات دارند، نوعی کراهت و انزجار نسبت به اعمال مسجدین کوفه و سهله دیده می‌شود و وقتی برنامه رفتن به آن جا مطرح می‌شود، بعضی تمایلی نشان نمی‌دهند و توجّه داشته باشید که چنین خاطره تلخی نسبت به مکان فخیم و مبارکی مثل مسجد کوفه و مسجد سهله زاییده سخت‌گیری‌ها و یا درک نکردن لذت و شیرینی عبادت است. بنابراین در جمع زائران به صراحت به استحباب اعمال این دو مسجد تأکید شود و از آنان درخواست شود، در هر قسمت که خسته شدند، می‌توانند از همان جا جدا شوند و در گوشه ای به استراحت بپردازند یا از بخش های مختلف مسجد بازدید کنند. بدیهی است در این صورت دیگر نسبت به اعمال مسجد احساس زدگی و ناراحتی نخواهند داشت. همراهان باقیمانده با عشق و علاقه برنامه‌ها را دنبال می‌کنند و ادامه کار برای شما آسان می‌شود.

۷. بخشی از دعاها را که برآن تسلّط بیشتر دارید و دارای نکات سازنده و مورد نیاز زائر است، برای زائران ترجمه کنید تا زائران درک کنند در این مناجات ها به خدای خود چه می‌گویند.

۸. برخی از مناسبت های مسجد کوفه را برای زائران شرح دهید. مقاماتی از قبیل دکهٔ القضا، بیت الطشت، دکهٔ المعراج، محل کشتی نوح، محل قبول توبه آدم و ... تاریخ های مستند و جالب توجهی دارند که اگر در لابلای اعمال مسجد به آنها نیز اشاره کنید، موجبات رفع خستگی و انبساط خاطر و درعین حال رشد و ارتقای فکری و معنوی همراهان خود را فراهم ساخته اید.

۹. هدایت انجام اعمال مسجدهای کوفه و سهله یک فرصت تبلیغی مناسب برای روحانی و مداح کاروان است و از جمله شروط لازم برای کسی که مدیریّت معنوی و مذهبی کاروان را به عهده می‌گیرد، این است که بتواند این اعمال

۱- ر. ك: الكافى جلد ۳ ص ۴۵۴، وسائل جلد ۴ ص ۶۹.

ص:۳۵

را به شایستگی انجام دهد. لیکن درعین حال چنانچه به هر دلیل قادر به خواندن همه دعاها نیستند، می‌توانید دویا سه کاروان را درهم ادغام کنید و دعاها را نیز مبلّغان کاروان ها بین هم تقسیم کنند تا برنامه ها هماهنگ تر اجرا شود.

ص:۳۶

ص:۳۷

تجربیات سفر و راهکارهای عملی

دانش و تخصص روحانیون کاروان‌های زیارتی اگر با تجربیّات پیشین آمیخته شود، نتایج ارزنده‌تری به همراه دارد. از این رو شایسته است به برخی از تجربیّات و راهکارها که در موفقیّت روحانیون کاروان‌ها مؤثر بوده، توجّه کرد و از آنها بهره گرفت.

الف) هماهنگی با مدیر کاروان

توصیه می‌شود قبل از شروع سفر یک جلسه هماهنگی نیم ساعته با مدیر کاروان داشته باشید و در این جلسه اگر خصوصّیات اخلاقی، توقّعات و انتظارات خاص و یا حتی سبک و سلیقه ویژه ای دارید، به مدیر پیشنهاد کنید و متقابلًا اگر او نیز پیشنهادی دارد، بشنوید. اگر در زمینه برنامه‌ها به توافق و تفاهم رسیدید، مسئولیت تبلیغی سفر را تقبل نمایید. ولی اگر بدون شناخت و هماهنگی قبلی به سفر زیارتی رفتید و در اثنای سفر متوجّه شدید، که نمی‌توانید با هم کار کنید، ضروری است از ناهماهنگی بپرهیزید و یکدیگر را تحمل کنید تا زائران بتوانند سفر آسوده و به یاد ماندنی داشته باشند.

در طول مسیر هم هر روز ده دقیقه با مدیر جلسه داشته باشید و برنامه های بیست و چهار ساعت آینده کاروان را با هم مرور کنید. در هر قسمت هر کدام می‌توانید به دیگری کمک کنید و آن را معین کنید.

ب) حفظ حرمت مدیر

مدیر باید مدیریت کند و برای اعمال مدیریت باید وجاهت و حیثیّتش محفوظ بماند و هرگز شخصیتش تحقیر نشود لذا یا درجمع از او انتقاد و یا بدگویی نکنید و با وجود اختلاف سلیقه احتمالی حرمت او را حفظ کنید.

در غیر این صورت تبعیت زائران از وی کمتر می‌شود و رشته نظم و انسجام کاروان از هم گسیخته خواهد شد.

هنر روحانی و مداح مدیریت معنوی کاروان است. سعی کنید اگر هم مشکلی با او پیدا کردید در خفا، برادرانه، به او تذّکر بدهید، مهربانانه اورا نصحیت کنید و چنانچه مؤثر واقع نشد، در شهرهای زیارتی به نمایندگان بعثه یا حج و زیارت مراجعه و مشکل را مطرح کنید. معمولًا در این مراکز کسانی هستند که به فرد خاطی یا سهل انگار تذّکر لازم را بدهند یا با او برخورد کنند.

ص:۳۸

ج) برنامه ریزی برای طول سفر

مجموعه معارفی را که می‌بایست در طول سفر به زائر منتقل کنید یا حد اقل خلاصه ای از آن را در یک دفترچه همراه خود داشته باشید. و مقاطع و فرصت های مناسب برای انتقال این معارف به زائران را شناسایی کنید و سعی کنید در هر فرصت، بخشی از آن معارف را دراین ظروف زمانی و مکانی بریزید. در این سفرها اتوبوس یکی از مناسب ترین فضاها است؛ مثلًا در مرز، در توقّف های اضطراری، در ایست و بازرسی ها و ... که معمولًا مدیر و راننده سرگرم رتق و فتق امور و حل مشکل هستند، فرصت را غنیمت شمرده و بخشی از همان مطالب را که از پیش آماده شده است، بیان کنید؛ مثلًا چند مسأله شرعی بگویید. یا یک حدیث و روایت بخوانید یا یک مناسبت تاریخی را تعریف کنید یا تاریخ مرتبط به مکانی را که باید به بازدید آن بروید، بیان کنید یا اگر فرصت مقتضی است، نوحه ای یا روضه ای بخوانید یا دعای توسّل یا زیارت امین الله یا عاشورا یا حتی اگر فرصت بیش تر دارید، جامعه کبیره و اگر زمان مقتضی است، دعای کمیل یا ندبه و ... را قرائت کنید دراین صورت وقتی به شهرهای زیارتی رسیدید، احساس سبکی خواهید کرد.

د) استفاده از اوقات فراغت زائر

بکوشید علاوه بر برنامه های جمعی و کلّی که برای زائران دارید، برنامه هایی هم برای جمع های کوچک تر زائران داشته باشید؛ مثلًا بخشی از تاریخ زندگی ائمه یا تاریخ نجف و کربلا- و یا قبور و زیارتگاه‌هایی را که در این سرزمین هست، ولی در برنامه زیارتی کاروان ها نیست، برای آنان بیان و توصیف کنید. همچنین می‌توانید برخی مسائل شرعی را که معمولًا عموم مردم به آنها نیازمندند ولی از آن بی اطلاع هستند، به صورت سؤال مطرح کنید و اگر کسی جواب درست داد به او جایزه کوچکی بدهید؛ زیرا معمولًا مدیران منابعی برای تأمین هزینه جوایز در اختیار دارند.

ه) تأکید بر وضوی دائم

گاه برای زیارت در نقطه ای پیاده می‌شوید و کنارشما ده تا اتوبوس دیگر هم زائر پیاده می کنند. به زائران توصیه کنید قبل از حرکت از هتل وضو بگیرند تا در طی مسیر یا توقفگاه‌ها که معمولًا ازدحام جمعیت برای طهارت و تجدید وضو بسیار زیاد است، دچار مشکل نشوند در این صورت شما می‌توانید از فرصت‌های طول مسیر یا توقفگاه‌ها برای اجرای برنامه‌های خود به خوبی استفاده کنید.

و) در دسترس بودن

روحانی و یا مداح در این سفر باید در دسترس زائر باشد تا زائر بتواند به سهولت مطالب و نیاز خود را مطرح نماید. بنابراین حضور در کنج حرم‌ها و اشتغال به عبادت‌های طولانی و یا رفتن به دیدار علما و مراجع وامور دیگری از این قبیل در سفر تبلیغی، کار صحیحی نیست؛ زیرا زائران پیوسته در طول سفر زیارتی خود با پدیده‌های جدیدی رو به رو می‌شوند و مایلند وظیفه شرعی خود را در قبال این پدیده‌ها از شما بپرسند و تأیید شما را برای ریز و درشت کارهای خود داشته باشند. گاهی هم درباره مسائل گوناگون بین آنان اختلاف نظر پیدا می‌شود و سخن عالمانه شما فصل الخطاب و تعیین کننده است. اگر در چنین مواقعی شما را پیدا نکنند،

از شـما دلگیر و ناراحت خواهند شد و حضور شـما در کنار آنان، به آن ها آرامش روحی خواهد بخشید. بنا بر این سخاوتمندانه در همه اوقات، خود را در دسترس زائران

ص:۳۹

قراردهید و هرگز از پاسخگویی به پرسش های اظهار خستگی نکنید.

ز) حضور نمازهای جماعت

زائران ایرانی شرکت در نماز جماعت را دوست دارند و به آن اهمّیّت می‌دهند. نمونه این اهتمام را در مشهد یا مکّه و مدینه مشاهده می‌شود. گاهی یک ساعت قبل از اذان در صفوف جماعت حاضر می‌شوند و منتظر رسیدن وقت نماز و شنیدن صدای اذان می‌مانند. شایسته است، به این خواسته عمومی احترام بگذارید و شما نیز در جمع آنان حضور پیدا کنید در این صورت هم به پرسش های آنان پاسخ می گویید و هم چنانچه به هر دلیل در اقامه جماعت خللی پیدا شد، خودتان اگر روحانی هستید، امامت را به عهده خواهید گرفت و کمبود ها را پوشش خواهید داد. درباره اقامه جماعت به چند نکته مهم توجّه کنید:

۱- هرگز به بهانه این که امام جماعت را نمی‌شناسید و عدالت او را احراز نکرده اید، از شرکت در نمارجماعت خودداری نکنید؛ زیرا عموم امامان جماعت مورد تأیید حوزه هستند.

۲- اگر در جایی امام جماعت منصوب و راتبی ندارد. از برپایی چند نماز جماعت در مکان و زمان واحد اجتناب کنید. حتّی المقدور جمعیّت ها را در هم ادغام و ضمن احوال پرسی از روحانیون همسفر یک نفر را که وجاهت و مقبولّیت بیشتر دارد، مقدّم سازید و همگی به او اقتدا کنید این همدلی و اعتماد شما به یکدیگر برای زائران بسیار زیبا و آموزنده خواهد بود.

۳- اگر معمّم نیستید هرگز حتی در صورت اصرار همراهان امامت جماعت را به عهده نگیرید؛ زیرا توجّه دارید که این امر خلاف فتوا فقهاست و بزرگانی چون امام (ره)، رهبری معظم انقلاب (مد ظله العالی) و برخی دیگر از مراجع از امامت جماعت افراد غیر معمّم در فضاهایی که دسترسی به معمّمین وجود دارد، نهی کرده اند.

۴- نمازهای جماعت را کوتاه و مختصر اقامه کنید و از طولانی کردن نماز و افزودن ادعیه و اذکار مستحبی به آن پرهیز کنید. توجّه داشته باشید که نماز مسافر را خداوند از هفده رکعت به یازده رکعت تقلیل داده، شما با طولانی کردن نماز این تخفیف را جبران نکنید!

ح) پرهیز از بر پایی دو مجلس در یک فضا

پس از اقامه جماعت فرصت خوبی برای سخنرانی، مدّاحی یا خواندن دعا و زیارت فراهم است ولی باید توجّه داشته باشید که هرگز در یک فضا دو نفر به سخنرانی یا مدّاحی نپردازند؛ زیرا هر دو می کوشند تا برای تحت الشعاع قرار دادن دیگری صدای خود را بلند تر کنند و زائر شنونده در این میان نمی‌داند به صدای کدام گوینده یا مداح گوش بدهد. بنا بر این وقتی می‌بینید مبلّغ دیگری مشغول افاضه است، یا جای مناسبی دورتر از او برای برپایی مجلس خود انتخاب کنید یا همراه با زائران همراه خود از مطالب او استفاده کنید.

حتی می‌توانید به همراهان توضیح بدهید که برای جلوگیری از تداخل برنامه‌ها با کاروان‌های دیگر، بهتر است فعلًا از ایشان استفاده کنیم. همچنین می‌توانید با اشاره یا فرستادن یادداشتی به خواننده یا گوینده یادآور شوید که بنا دارید، بعد از او شما هم انجام وظیفه کنید و نیز اگر خودتان مشغول اداره مجلس هستید، توجّه داشته باشید که بنا نیست تمام فرصت را شما به تنهایی در اختیار بگیرید و دیگران هم که از راه های دور به این فضاها مشرّف شده اند، مایلند در

ص:۴۰

جمع همراهان خود برنامه ای داشته باشند و فیضی ببرند. پس برنامه خود را مختصرتر کنید و صدای خود را چنان پایین بیاورید که فقط همسفران خودتان آن را بشنوند تا مزاحمتی برای سایر مبلّغان فراهم نشود.

ط) حدّ اکثر استفاده از انعطاف پذیری زائر

سفر به اعتاب مقدسه عراق با سفرهای توریستی که مردم مثلًا برای بازدید از آثار تاریخی پیشنیان به کشورهای مختلف می‌روند، یک تفاوت اساسی دارد و آن این است که در سفرهای زیارتی به ویژه در سفر به عراق، زائران از نوعی انعطاف پذیری ویژه برخوردار می‌شوند؛ به گونه ای که مطالب حاوی امر به معروف و نهی از منکر را به راحتی می‌پذیرند و این حالت به برکت ذوات مقدّسه ای است که زائر به زیارت آنها آمده است؛ به عنوان مثال در سفر عتبات وقتی مطلبی را از یک مبلّغ عادی بشنوند می‌پذیرند و عمل می کنند. در حالی که همین مطلب را بارها در شهر و دیار خودشان از گویندگان مشهور و مطرح، شنیده اند و به آن ترتیب اثر نداده اند. پیدایش چنین حالتی در زائران مسؤولیّت و رسالت مبلّغ کاروان را سنگین‌تر می کند. این شما هستید که باید از این فرصت گرانبها استفاده کنید و با بیان شیرین خود ارزش‌های والای اعتقادی و اخلاقی را در جان و روان همراهان نهادینه سازید. بسیاری از کسانی که در ایران نماز شب می‌خوانند یا به حضور در مسجد و نماز جماعت اهتمام می‌ورزند یا نگاه خود را از حرام برمی گیرند یا دست و زبان خود را کنترل می کنند یا بانوانی که به حجاب سخت پایبند هستند، این ارزش‌ها را از این سفرها به یادگار دارند. در سفری که با یک روحانی یا مدّاح با سلیقه به این سامان آمده‌اند، لذّت درک حضور در محضر ائمه را چشیده‌اند و آن مبلّغ با استفاده از این آمادگی روحی ارزش های یاد شده را برای ایشان تبیین کرده و از آنها خواسته است تا در این چند روزی که در کنار معصومان و اولیای الهی هستند، ادب حضور را رعایت کنند و گونه‌ای باشند که آنان می‌پسندند. در واپسین روزهای سفر نیز با یادآوری این که حیف است این تقرّب و اتّصالی که برقرار شده است از بین برود و گوهرهای معنوی را که حاصل شده از کف بدهند؛ به زائر پیشنهاد کرده اند که از خدا و ائمه کمک بخواهند و خود نیز تصمیم بگیرند تا این ارزش ها را به عنوان ارزنده ترین سوغات این سفر برای همیشه عمر خود به یادگار نگه دارند. ناگفته پیداست که اگر شما بتوانید در این فرصت چند روزه چنین تحوّلی را در دل و جان همسفران پدید آورید، چه اندوخته عظیمی از ایمان و عمل صالح را برای خودتان و در پرونده عملتان ذخیره کرده‌اید که:

«وَمَنْ أَحْیَاهَا فَکَأَنَّمَا أَحْیَا النَّاسَ جَمِیعاً، کسی که یک نفر را با هدایت خود حیات معنوی بخشد، چنان است که همه مردم را زندگی بخشیده است.»(۱)

ی) اصلاح حمد و سوره ها

اگر در لابی هتل نشسته اید و منتظر آماده شدن زائران برای عزیمت به نقطه ای هستید، از افراد حاضر دعوت کنید تا برای اصلاح قرائت حضور یابند و اشکالات احتمالی را رفع کنید. این کار برکات فراوان دارد. هم قرائت افراد اصلاح می‌شود و هم کسانی که نظاره گر و شنونده گفت و شنود شما هستند و به اهمیّت موضوع پی می‌برند و هم خودتان با دقّت و حسّاس شدن روی لغزش ها و غلط های رایج دیگران نسبت به صحّت قرائت خودتان دقیق می‌شوید و

۱- ر. ك: الكافی جلد ۳ ص ۴۵۴، وسائل جلد ۴ ص ۶۹.

ص:۴۱

مصونیّت پیدا می کنید. چون بعضی غلط ها تدریجی و ناخواسته روی زبان انسان می‌نشینند و یک وقت آدم متوجّه می‌شود، که مدّت ها عبارتی را غلط یا نارسا تلفظّ می کرده و خودش متوجّه نبوده است.

ک) دقّت درمرثیه خوانی

شایسته است با مطالعه و مراجعه به متون و منابع معتبر و موثّق، اشعار و مراثی وزین و صحیح را انتخاب کرده و همراه داشته باشید و به جا و به موقع از آنها بهره گیرید و هرگز مطالبی را که از صحّت آنها اطمینان حاصل نکرده اید، به صرف شنیدن از دیگری بازگو نکنید. در این خصوص نیز شایسته است به چند نکته توجّه شود:

۱. از ذکرمصیبت و مرثیه در حدّ چاشنی برای غذا استفاده کنید و به ویژه در ایام عادی هرگز تمام وقت مجلس خود را با ذکر مصیبت پر نکنید. شخصیّت هایی که شما به زیارت آنها آمده اید، مثلًا امیرمؤمنان یا امام حسین (علیهما السلام) و ... فضایل و مناقب فراوان دارند، معجزات دارند، در ابعاد مختلفی از ارزش‌های والا سرآمد بشریتند، در مقاطع گوناگون تاریخ زندگی خود افتخارات بی نظیر آفریده اند، این منصفانه نیست که فکر و ذهن زائران آنها را فقط به تلخی ها و مصیبت های آنان معطوف کنیم. اگر باور داریم که آنان همواره ما را می‌بینند و سخن ما را می‌شنوند؛ با چه توجیهی راضی می‌شویم که همه روزه از صبح تا غروب شنونده تلخ ترین خاطرات زندگی خود باشند؛ که ما مرثیه خوانان و مدّاحان پی در پی به بهانه گریاندن زائران در گوش آن ها نیز زمزمه می کنیم. درود و رحمت خدا به روان آن منبری معروف تهرانی(۱) باد که وقتی در حرم حضرت سیدالشهدا (ع) از او خواستند روضه حضرت علی اکبر (ع) را بخوانند، از میان جمعیّت برخاست و گفت من به شرطی در این مجلس، ذکر مصیبت خواهم کرد، که ابتدا پیرمردان مجلس برخیزند و زیر بغل امام حسین (ع) را بگیرند و از این جا بیرون ببرند. بعد من روضه فرزندش را بخوانم. آخر در حضور پدر که نمی‌شود، مصیبت فرزند جوانش را خواند و با همین اشاره لطیف و نمکین چنان مجلس را منقلب کرد که همگان به شدّت گریستند و مجلس اشباع شد.

۲. از به کار بردن الفاظ و عباراتی که با ادب حضور در محضر معصومین (علیهم السلام) منافات دارد پرهیزکنید.

۳. اشعاری که حاوی اهانت به خاندان پیامبر است را با توجیه این که دل شنونده را بسوزانید و بگریانید، نخوانید؛ به عنوان مثال هرگز حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) قهرمان خروشنده در مقابل یزید و آن عارف کامل که فرمود «

ما رَأیتُ الا جَمیلًا

» را با عبارتی همچون ستمدیده، آواره، بیچاره، کتک خورده و بلاکش توصیف نکنید.

۴. هرگز نگران گریه کردن زائر نباشید. آن ها در این سفر چنان عواطف سرشاری دارند، که غالباً با شنیدن فضایل اهل بیت هم می گریند. حتّی نگاه به در و دیوار حرم‌ها و گنبد و ضریح اولیای دین هم اشکشان را جاری می کند، از این گذشته بنا بر این نیست که همه آنها با هر قیمتی که شده، حتماً گریه کنند. آن روز که امام صادق علیه السلام از تباکی (تشبه به گریستن) در کنار بکاء (گریستن) و ابکاء (گریاندن) نام برد، دقیقاً به این معنا توجّه داشت که همه مردم در همه شرایط به گریه نمی‌افتند. از این رو فرمود: «وَ مَن تُباکی فَلَه الجَنّهُ؛

کسی که خود را شبیه گریه کننده در آورد، بهشت برای او است.»(۲)

۱- مرحوم حاج آقا رضای سراج ره

۲- مرحوم حاج آقا رضای سراج ره

ص:۴۲

ل) دقّت در صحیح خواندن متون دعاها و زیارات

معمولًا همه ما تصوّر می‌کنیم که متن دعاها و زیارات را صحیح می‌خوانیم. لیکن اگر گاهی موقع خواندن دیگران گوش بدهیم، به سادگی در خواهیم یافت، که عبارتی را اشتباه می‌خوانده ایم. یا دست کم محل‌های وقف و ابتدا را رعایت نمی‌کرده‌ایم. چه مانعی دارد که در این موارد احتیاط کنیم تا از قرائت صحیح عبارت ها مطمئن شویم. ساکنان این سرزمین ها عرب زبان هستند و خیلی زود متوجّه خطای ما می‌شوند و بدون رودربایستی و در حضور دیگران خطای ما را به ما گوشزد می کنند. پس بهتر است بیشتر دقّت کنیم، تا شرمندگی به بار نیاوریم.

م) پرهیز از اجرای برنامه درون حرم‌ها

بعضی به گمان این که برای زائران همراه خود سنگ تمام بگذارند، آن ها را با خود به درون حرم برده و برای ایشان زیارت یا دعا می‌خوانند. این کار پسندیده ای نیست؛ زیرا اجرای مراسم درون حرم با صدای بلند، مخلّ آسایش دیگران و موجب در هم ریختن حال توّجه و حضور قلب آنان است. پس بهتر است همه مراسم گروهی و برنامه های دسته جمعی خود را در صحن ها اجرا و تمام کنیم، سپس به صورت انفرادی برای زیارت به حرم وارد شویم.

بد نیست همین جا یادآور شوم، که اعلام صلوات های پی در پی توسّط برخی زائران در درون حرم ها نیز کار سنجیده ای نیست و توجیه درستی ندارد. درون حرم ها معمولًا همه متذکّرهستند و هرکس برای خود سرگرم دعا و زیارت است. وقتی کسی با صدای بلند همگان را دعوت به فرستادن صلوات می کند، دیگران یا باید صلوات را بفرستند که در این صورت از ذکر خود منقطع خواهند شد و یا صلوات را نفرستند که در این صورت از بیم آن که مبادا حدیث مذمّت تارک صلوات (۱)شامل آن ها شود، مبتلا به تشویش و اضطراب می گردند.

یادآوری چند نکته

اشاره

کار روحانیون به این اعتبار که عهده دار هدایت همراهان هستند، شبیه کار انبیا است. از این رو باید کوشید تا در حد توان، ویژگی‌های انبیای الهی را در خود ایجاد و تقویت کرد؛ زیرا موفّقیّت مبلغان دینی در گرو برخورداری از همان خصوصیّات است. اهمّ این خصوصیّات را می‌توان بدین شرح برشمرد:

الف) اخلاص

مبلّغ اگرمخلص نباشد نه در هدایت همراهان توفیق می‌یابد و نه برای خودش در نزد خدا پاداشی ذخیره می کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«ثَمَرَةُ العِلمِ اخلاصُ العَمَلِ؛

میوه دانایی (به مبدأ و معاد) اخلاص عمل است.» (۲)بدیهی است حضور در کنار مرقد امیرمؤمنان (علیه السلام) که خود مظهر اخلاص است، فرصت گرانبهایی است که اگر در این جهت احساس کمبود و نیاز می‌کنیم، به ذیل عنایت ایشان متوسّل شویم تا با

عنـایت کریمـانه خود، مس وجود مـا را طلاـ کننـد و گوهر گرانمـایه اخلاـص در نیّت و عمل و گفتار و کردار را به ما نیز مرحمت فرمایند.

۱- در حـدیثی آمـده است که رسول خدا ص چند نفر را لعنت فرموده‌اند یکی از آنها کسـی است که نام مبارک ایشان را بشـنود و برایشان درود نفرستد. ر. ک: بحارالانوار جلد ۹۱، ص ۸۵.

۲- غرر الحکم، ۴۶۴۲.

ص:۴۳

ب) سعه صدر

امروز کشور عراق، مشکلات فراوانی دارد و زائرانی که از سطوح مختلف جامعه درقالب کاروان های زیارتی به کشور عراق اعزام می‌شوند، جامعه ای ناهمگون و ناهماهنگ هستند و سلیقه ها و ظرفیّت های مختلف دارند لذا هدایت معنوی آن ها کار دشواری است. عهده دار خدمت معنوی به زائران در این سرزمین می‌بایست از ظرفیّت بالای روحی برخوردار باشد و با آرامش و تدبیر و درایت همچون پدری مهربان و برادری دلسوز و آگاه، گره کور تنش ها و ناهنجاری های پیش آمده را با سرانگشت تدبیر وحکمت بگشاید. در این کشور بیگانگان حاکمیّت دارند. دولت مرکزی چندان بر همه امور مسلّط نیست. کارها گاهی تقسیمات منطقی و عادلانه ای ندارد. بسیاری از شهروندان عراقی به خاطر مشکلات، تعادل روانی مناسبی ندارند. بنا بر این شما هستید، که باید با برخورداری از سعه صدر به گونه ای روابط همراهان را روان و تسهیل کنید که زمینه ای برای کشمکش و ناراحتی به وجود نیاید.

ج) تواضع

تواضع و فروتنی از اخلاق عمومی انبیای الهی است و چه کسی از شما برای اتّصاف به این صفت ارزشمند سزاوارتر است؟ مگر نه این است که زائران همراه شما مهمانان اهل بیت (ع) هستند و ما هم خادم اهل بیت؟ لذا خادم بودن اقتضا می کند که ما با قطع نظر از این که خودمان کی هستیم و در ایران چه سمتی داریم، به مهمانان موالی خود خدمت کنیم. آن هم با قطع نظر از این که این مهمانان چه کسانی هستند و چه منزلت اجتماعی دارند. خادم باید مهمان اربابش را تکریم کند و گرنه حقّ مولایش را ادا نکرده است.

د) نرمخویی و مهربانی

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم می‌فرماید:
«فَبِما رَحمَةٍ مِنَ الله لِنتَ لَهمُ وَ لَو کُنتَ فَظّاً غَلیظَ القَلبِ لَانفَضُّوا مِن حَولِکَ؛ به موجب رحمت ویژه الهی است که با اینان نرمخو هستی و اگر خشن و سنگدل بودی از گردت پراکنده می‌شدند.»(۱) دقت کنید اگر پیامبر اکرم (ص) با آن همه محاسن و فضایل بی شمار تنها در صورت تندخویی جاذبه‌اش را از دست می‌دهد و به قول قرآن، مردم از گرد او پراکنده می‌شوند، حساب من و شما روشن است. بنا بر این مراقب باشید که در این سفر با زائر تندی نکنید، سرشان داد نزنید، آن ها را توبیخ نکنید، که اگر چنین کردید، در دل آنان نسبت به شما کدورتی ایجاد خواهد شد و این کدورت مانع تأثیر سخن شما در دل او خواهد گشت.

ه) خوش‌رویی و شادابی

زائرانی که همراه شما آمده اند، از نظر اخلاق و تربیت یکسان نیستند، ظرفیّت های روحی متفاوتی دارند، آداب و رسوم آنان گوناگون است، حساسیّت های آن ها هم نسبت به پدیده ها مختلف است. دوران آشنایی شما هم با آن ها کوتاه است با این ویژگی ها شوخی با آنها اصلًا زمینه ندارد. چون گاهی ممکن است، از مزاح بی غرض شما برداشت منفی کنند. هنر یک مبلغ موفق این است که بتواند خوش‌رویی و شادابی را چنان با متانت، تواضع و وقار عجین کند که خاطرات شیرین و در عین حال مثبت و

سازنده‌ای را از این سفر در ذهن و ضمیر زائران به یادگار بگذارد.

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

ص:۴۴

و) حفظ شأن و جایگاه مبلّغ دینی

روحانی یا مدّاح، شأن والایی دارند. به همان اندازه که دین و مقدّسات دینی احترام دارند، مبلّغان آن هم محترم‌اند و باید حافظ این شأن و مدافع آن باشید.

انجام برخی کارها ممکن است برای افراد عادی مشکلی نداشته باشد ولی همان اعمال، چه بسا برای شما مکروه یا حرام باشد؛ چون مردم از شما انتظار ویژه ای دارند؛ انتظاری که از افراد دیگر ندارند؛ مثلًا کشیدن سیگار در عراق رواج دارد ولی شما از کشوری آمده اید که سی سال است؛ در آن، ضدّ دخانیات تبلیغ می‌شود؛ به صرف این که مردم عراق غالباً سیگار می‌کشند، شما نباید به این کار مبادرت کنید. چون اگر زائران، شما را در این حال ببینند، نسبت به شما احساس ناخوشایندی پیدا می‌کنند وشخصیّت و وجاهت شما در نظر آنان مخدوش و بی اعتبار می‌شود.

همچنین راهنمایی زائران برای خرید از فروشنده خاصّی که جنس بهتر یا ارزان تر می‌فروشد به خودی خود کار ناپسندی نیست ولی شما هرگز نباید به این قبیل کارها مبادرت کنید؛ زیرا به خاطر چند تومان صرفه مادّی برای زائران حیثیت شما زیر سؤال می‌رود و متهم می‌شوید.

از دیگر اموری که باید رعایت شود آراستگی ظاهر و پوشیدن لباس کامل و معمولی است. گاهی یک مدّاح با صورت تراشیده یا لباس های جلف و سبک و تنگ مثلًا با شلوار لی یا کاپشن کوتاه در ملأ عام ظاهر می‌شود یا یک روحانی به بهانه این که هوا گرم است، بدون عمامه یا عبا و قبا به خیابان و حرم و ... می‌رود چنین اموری از جاذبه شما در دل آنها می‌کاهد.

امام صادق علیه السلام به یکی از بستگانش فرمود:

«انَّ الحسنَ مِن کُلِّ احَدٍ حَسَنٌ وَ انَّهُ مِنکَ احسَنٌ لِمَکانِکَ مِنّا وَ انَّ القَبیحَ مِن کُلِّ احَدٍ قَبیحٌ وَ هُوَ مِنکَ اقبَحُ لِمَکانِکَ مِنّا؛

کار خوب از هرکس سر بزند خوب است؛ ولی از تو خوب تر است؛ چون تو وابسته به ما هستی و کار بد هم از هر کس صادر شود بد است و از تو بد تر است؛ چون تو وابسته به ما هستی.»(۱)

نوع نگاه به زائر

نگاه به زائر بایـد نگاه خادم به مخدوم خویش باشد و بکوشد تا به بهترین و ماندگارترین روش معارف اسلامی را برای ایشان تبیین و خاطرات معنوی سفر را پایدار سازد.

بدیهی است اجر و پاداش چنین خادمانی از دست موالیان بزرگوار و خدای مهربان بسیار کریمانه و جاودانه خواهد بود.

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

ص:۴۵

ص:۴۶

ص:۴۷

کروکی اماکن زیارتی

نقشه حرم مطهر اباعبدالله الحسین (ع) و آثار آن

۱- مرقد و مزار علی اکبر (ع)

۲- محل دفن شهدای بنی هاشم

۳- سایر شهدای کربلا

۴- گودال قتلگاه

۵- مزار حبیب بن مظاهر

۶- مزار ابراهیم مجاب

۷- مزار شریف مرتضی و سید رضی و پدرشان ابواحمد حسین

۸- محل قبلی تکیه بکتاشیه

۹- محل دفن شیخ محمدباقر وحید بهبهانی، سید علی طباطبایی، آل عصفور، سید کاظم رشتی، آل کمونه حسینی، کلیددار

۱۰- محل دفن پادشاهان قاجار، مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه، احمدشاه و محمد حسن میرزا، ظل السلطان و نیز سلطان حمزه میرزا از سلاطین صفوی

۱۱- محل دفن میرزا تقی خان امیرکبیر

۱۲- باب ابراهیم مجاب

۱۳- باب الکرامه

۱۴- باب علی اکبر (ع)

۱۵- باب حبیب بن مظاهر

۱۶- قبر میرزا محمدتقی شیرازی

۱۷- قبر ابن فهد حلی

۱۸- مکان قبر فضولی بغدادی

۱۹- مقبره خاندان مجتهد قزوینی

۲۰- محل دفن خاندان بحرانی و زینی حسنی

۲۱- محل دفن خاندان برغانی

۲۲- محل دفن پادشاهان آل بویه

ص:۴۸

نقشه حرم مطهر حضرت ابوالفضل العباس (ع)

۱- باب المراد

۲- باب الرواق

۳- مناره طلا (شرقی)

۴- مناره طلا (غربی)

۵- باب العلقمی (باب الرضا)

۶- مقام دست چپ حضرت عباس (ع) (بازارچه عباس (ع))

۷- مقام دست راست حضرت عباس (ع)

راهنمای حرم مطهر

مراقد علماء در صحن شریف

اتاق شماره ۱: آرامگاه شیخ ضیاءالدین بن محمد عراقی (متوفی ۱۳۶۱ ه‍- ق) از اساطین مجتهدین نجف

اتاق شماره ۲: آرامگاه سید حسین بن علی همدانی، سید نصر بن صدر علماء بنی صدر و شیخ اسماعیل بن محمد علی محلاتی

اتاق شماره ۳: آرامگاه شیخ محمد حسین بن محمد باقر اصفهانی، شیخ عبد علی بن امیر علی الرشتی

اتاق شماره ۴: آرامگاه سید موسی بن مهدی مازندرانی

اتاق شماره ۶: آرامگاه سید محمد جواد تبریزی (متوفی ۱۳۸۸ ه‍- ق)، شیخ فتح علی بن حسن سلطان آبادی و شیخ محمد رضا بن علی نایینی

اتاق شماره ۱۱: آرامگاه شیخ مرتضی بن محمد امین انصاری معروف به خاتم المجتهدین صاحب مکاسب (متوفی ۱۲۸۱ ه‍- ق) و شیخ آقا رضا بن محمد باقر تبریزی

اتاق شماره ۱۳: آرامگاه سید علی بن محمد خلخالی، سید آقا بن محمد خلخالی، شیخ کمال الدین بن محمد تقی شریعتمدار، سید عبدالصمد بن احمد جزائری شوشتری (متوفی ۱۳۳۷ ه‍- ق)

اتاق شماره ۱۵: در ایوان اطاق آرامگاه شیخ حسین بن محمد تقی نوری (متوفی ۱۳۲۰ ه‍- ق)، شیخ عباس بن محمد رضا قمی (متوفی ۱۳۵۹ ه‍- ق) مؤلف مفاتیح الجنان و چهار اثر حدیثی دیگر

اتاق شماره ۱۸: آرامگاه سید عباس بن اسدالله بن عباس اشکوری، سید حسین بن عباس اشکوری، شیخ محمد علی بن محمد نصیر جهاردهی و سید جعفر بن محمد مرعشی (متوفی ۱۴۰۷ ه‍- ق)

اتاق شماره ۱۹: آرامگاه سید علی مدد قائینی (متوفی سال ۱۳۸۴ ه‍- ق)

اتاق شماره ۲۰: آرامگاه سید علی بن محمد نوری

ص:۴۹

اتاق شماره ۲۱: آرامگاه شیخ حسین بن عبدالرحیم نایینی (متوفی ۱۳۵۵ ه‍. ق) و سید محمد بن میرقاسم فشارکی (متوفی ۱۳۱۳ ه‍. ق)، سید اسماعیل بن رضی شیرازی، شیخ محمد غلام بن غلام علی تستری و شیخ موسی بن محمد خوانساری

در ایوان اتاق، آرامگاه سید علی اصغر بن محمد تقی شهرستانی

اتاق شماره ۲۲: آرامگاه سید حسین بن محمود قمی (متوفی ۱۳۶۶ ه‍. ق)، شیخ فتح الله اصفهانی (شیخ شریعه) (متوفی ۱۳۳۹ ه‍. ق)، شیخ باقر بن محمد مهدی زنجانی (متوفی ۱۳۹۴ ه‍. ق)، سید علی بن محمد تقی تبریزی، شیخ ابوالقاسم بن محمد تقی اوردبادی و در ایوان اطاق آرامگاه شیخ علی اکبر بن هاشم خوئی

اتاق شماره ۲۳: آرامگاه شیخ محمد علی بن ابی القاسم اوردبادی (متوفی ۱۳۰۸ ه‍. ق)، سید احمد بن رضی مستنبط (متوفی ۱۴۰۰ ه‍. ق)

اتاق شماره ۲۴: آرامگاه سید حسن بن عبدالله طالقانی (متوفی ۱۳۰۷ ه‍. ق)، سید عباس بن حسین طالقانی (متوفی ۱۳۰۸ ه‍. ق)، سید احمد بن حسین (طالقانی (متوفی ۱۳۳۷ ه‍. ق) و سید عبدالرسول بن مشکور طالقانی (متوفی ۱۳۹۴ ه‍. ق)

اتاق شماره ۲۶: آرامگاه سید ابوالحسن بن محمد اصفهانی (متوفی ۱۳۵۶ ه‍. ق)، سید میربادکوبی (متوفی ۱۳۵۹ ه‍. ق)، سید حسن بن آقا بزرگ بجنوردی (متوفی ۱۴۰۵ ه‍. ق)، شیخ حبیب الله بن محمد علی رشتی و شیخ محمد کاظم بن حسین خراسانی معروف به آخوند خراسانی صاحب کفایت الاصول

اتاق شماره ۲۹: آرامگاه سید ابوالقاسم بن محمدرضا تبریزی، شیخ محمد علی بن محمد حسن خونساری و سید عزیزالله بن حسین درکنی

اتاق شماره ۳۱: آرامگاه آیت الله العظمی سید ابوالقاسم بن علی اکبر خوئی (متوفی ۱۴۱۳ ه‍. ق) همراه با فرزندان و سید نصرالله بن رضی مستنبط (متوفی ۱۴۰۰ ه‍. ق) داماد آیت الله خوئی

اتاق شماره ۴۶: آرامگاه سید محمد بن محمد باقر فیروزآبادی و سید هادی بن ابی الحسن نقوی

اتاق شماره ۴۷: آرامگاه سید محمد کاظم بن عبدالعظیم یزدی (متوفی ۱۳۳۷ ه‍. ق) صاحب عروهٔ الوثقی

اتاق شماره ۴۸: آرامگاه سید عبدالحسین بن یوسف شرف الدین صاحب المراجعات (متوفی ۱۳۷۷ ه‍. ق)

اتاق شماره ۴۹: آرامگاه سید عبدالغفار بن یوسف مازندرانی

اتاق شماره ۵۲: آرامگاه سید حسین بن اسماعیل شاهرودی و سید عزیز الله بن اسدالله تهرانی

اتاق شماره ۵۳: آرامگاه شیخ عبدالکریم بن محمد رضا زنجانی (متوفی ۱۳۸۸ ه‍. ق)

گلدسته سمت درب باب طوسی: سمت راست گلدسته آرامگاه شیخ محمد حسین بن محمد حسن اصفهانی کمپانی (متوفی ۱۳۶۱ ه‍. ق) استاد برجسته حوزه نجف، شهید آیت الله سید مصطفی بن روح الله خمینی (متوفی ۱۳۷۹ ه‍. ق) و در سمت چپ گلدسته آرامگاه علامه حلی حسن بن یوسف بن مطهر (متوفی ۷۲۶ ه‍. ق)

گلدسته سمت درب باب قبله: سمت راست گلدسته آرامگاه مقدس اردبیلی احمد بن محمد (متوفی ۹۹۲ ه‍. ق)

ایوان علما: آرامگاه شیخ محمد مهدی بن ابی ذر نراقی صاحب جامع السعادات (متوفی ۱۲۰۹ ه‍. ق) و شیخ احمد بن محمد مهدی نراقی، صاحب مستند الشیعه فی علم الشریعه، سید عبدالباقی بن محمد حسین خاتون آبادی و شیخ محمدباقر بن محمد باقر هزار جریبی

ص:۵۰

ورود خواهران به حرم از سمت باب طوسی: راهرو تا حرم سمت راست ایوان علما آرامگاه شیخ محمد بن فضل علی فاضل شریبانی (متوفی ۱۳۲۲ ه‍. ق)

آرامگاه خانواده مجدد شیرازی: آرامگاه سید محمد حسن بن محمود مجدد شیرازی (میرزای شیرازی صاحب فتوای تحریم تنباکو)

غیر از این بزرگان افراد دیگری نیز در حرم و یا صحن دفن شده‌اند، از جمله: عضدالدوله و اشرف‌الدوله و بهاءالدوله از سلاطین آل بویه در ورودی شرقی حرم و برخی از سلاطین قاجار در شمال حرم مدفون هستند.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خـدا جهاد نماییـد؛ این برای شـما بهتر است اگر بدانید حضـرت رضا (علیه السّـلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشـهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصـفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلـداد‌گی به اهلـبیت (علیهم السـلام) بخصـوص حضـرت علی بن موسـی الرضـا (علیه السـلام) و امـام عصـر (عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف) شـهره بوده و لـذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسـی بنیانگـذار مرکز و راهی شـد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقـات قـائمیه اصـفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسـی تحت اشـراف حضـرت آیت الله حـاج سـید حسن امامی (قـدس سره الشـریف) و بـا فعـالیت خالصـانه و شـبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشـگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شـیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السـلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسـی دقیق تر مسائـل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمنـد به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایـانه هـا ایجـاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّـلام با انگیزه نشـر معارف، سـرویس دهی به محققین و طلاـب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمنـدان به نرم افزار های علوم اسـلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سـهولت رفع ابهام و شـبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشـر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکـاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشـگاهها، اماکن مـذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹